

کشاکش جناحهای رژیم
در سیاست خارجی*مشکینی: در صورت بروز جنگ،
در مقابل آمریکا خواهیم ایستاد

بدنبال سخنان خامنه‌ای در روز چهارشنبه ۲۱ شهریور اعلام جهاد علیه آمریکا، موج تبلیغات ضد آمریکایی گسترش یافت. دو روز بعد از سخنان "رهبر انقلاب"، موسوی اردبیلی در نماز جمعه تهران اعلام کرد "قیام مسلمانان در منطقه یک وظیفه شرعی است." آیت‌الله مشکینی در نماز جمعه قم پا را از این هم فراتر گذاشت و وعده داد که "ملت ایران در صورت بروز جنگ در منطقه در مقابل آمریکا خواهد ایستاد." همزمان با برجسته‌تر شدن سیاست ضد آمریکایی نسبت به بحران خلیج، بیش از ۱۶۰ تن از نمایندگان مجلس از دعوت خامنه‌ای به جهاد علیه تجاوز آمریکا استقبال و حمایت کردند. این مواضع تند ضد آمریکایی که پس از سفر طارق هریز به تهران اتخاذ شد با سکوت نسبت به تجاوز عراق به کویت همراه

بقیه در صفحه ۳

به یاد جانباختگان فاجعه ملی سال ۶۷

گام به گام فاجعه

در صفحه ۳

سال تحصیلی جدید در میان انبوه مشکلات آغاز شد

سال تحصیلی جدید از دیروز آغاز شد و میلیون‌ها دانش‌آموز و دانشجو بار دیگر محیط‌های آموزشی را از شور و تحرک آکنده ساختند. به رسم هر ساله مقامات رژیم با ارسال پیام‌هایی بمناسبت شروع سال تحصیلی جدید، از موفقیت‌های عظیم جمهوری اسلامی در زمینه آموزش و پرورش سخن گفتند و دانش‌آموزان و دانشجویان را به پیروی از سیاست‌های حکومت فراخواندند. آنچه در این پیام‌ها ناگفته ماند، انبوه مشکلاتی است که درس خواندن در کشور ما بدنبال دارد. امسال نیز زنگ مدارس در شرایطی به صدا در آمد که میلیون‌ها کودک و نوجوان ایرانی، از نعمت آموختن و نشستن بر روی نیمکت کلاس درس محروم مانده‌اند. این میلیون‌ها تن، فرزندان مردم زحمتکش و کم درآمد میهن ما هستند. مسئولان از میزان بیسوادی و تعداد کودکان و نوجوانانی که به دلایل مختلف نمی‌توانند به مدرسه بروند، آمار رسمی به دست

نمی‌دهند. اما آمارهای مختلف منتشر شده، حاکی از گسترش بیسوادی در جامعه ما و محروم ماندن بخش‌های وسیع‌تر کودکان و نوجوانان از راه یافتن به مدارس است. هزینه درس خواندن در ایران با سرعت سرسام‌آوری افزایش می‌یابد و بر خانواده‌ها بار کمر شکنی تحمیل می‌کند. امسال در بسیاری از مناطق و مدارس رژیم رسماً اقدام به دریافت شهریه از دانش‌آموزان کرده‌اند. گرانی و کمبود لوازم التحریر و سایر وسایل مورد نیاز نیز به مشکل بزرگی برای خانواده‌ها تبدیل شده است. لوازم التحریر، کیف، کفش، روپوش و مقنعه در تهران و شهرستان‌ها کم و بسیار گران است. هیچ ارگانی مسئولیت نظارت بر قیمت‌ها را برعهده ندارد و تولیدکنندگان همده و تجار، هر تریخی را که بخواهند بر روی لوازم التحریر می‌گذارند. به گفته مردم افزایش قیمت‌ها سرسام‌آور است و هر کس مطابق سلیقه خودش قیمت‌ها را افزایش می‌دهد. علیرغم آنکه اجناس

انبوهی از مشکلات باید وجود انجمن‌های اسلامی، معلم‌های امور تربیتی، قوانین دست و پاگیر، آئین‌نامه‌های انضباطی و سخت‌گیرانه‌ی دیگر را هم اضافه نمود. نشارهای تمام نشدنی نهادهای گوناگون رژیم در

خلیج فارس در تلاطم بیم و امید!

*ملک حسین پس از ملاقات با رئیس‌جمهور الجزایر و سلطان مراکش گفت

راه حلی برای بحران پدید آمده است

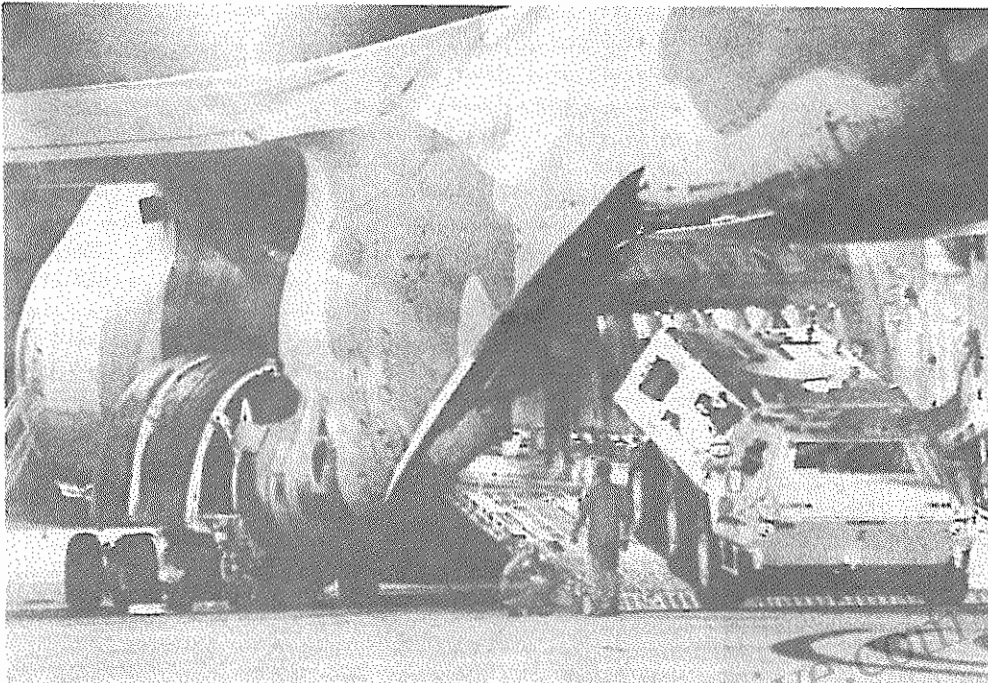
*سخنگوی دولت عراق تهدید کرد: هر گاه حمله
نظامی به عراق صورت بگیرد، تمام چاه‌های نفت
خلیج به آتش کشیده خواهد شد

خلیج فارس همچنان در تلاطم بیم و امید بسر می‌برد. هنوز در افق سیاسی منطقه، چشم‌انداز روشنی برای حل دیپلماتیک بحران پدید نیامده است. محاصره دریایی عراق، صرفنظر از جدول پاره‌ای از کشورها از تعهد و میثاق بین‌المللی، همچنان ادامه دارد و حلقه محاصره پیوسته تنگ‌تر می‌شود. تصمیم‌گیری پنج عضو

دائمی شورای امنیت مبنی بر تحریم هوایی عراق، می‌رود که جنبه عملی به خود بگیرد. جرج بوش در سخنان جمعه‌گذشته خود تصریح کرده است که در صورت عدم حصول نتایج لازم از تصمیم سازمان ملل متحد در رابطه با محاصره عراق، آمریکا قدم‌های دیگری بر خواهد داشت. تداوم بی‌وقفه گسیل نیروهای آمریکایی به خلیج، پشتوانه‌ای برای این

تهدید است. همچنین، تسلیح بزرگ ابعاد عربستان و شیخ‌نشین‌های خلیج توسط غرب از یک سو، و تعهد جدید آمریکا در بالابردن سطح کمک‌های اقتصادی و نظامی به اسرائیل از سوی دیگر، نشانه آنست که شق احتمال آغاز یک جنگ فیر قابل مهار در منطقه، منتفی نیست.

رژیم عراق نیز به تهدیدات متقابل خود ادامه می‌دهد.



اعزام نیرو به منطقه خلیج فارس همچنان ادامه دارد. هکس بالا اولین سری از تانک‌های مخصوص جنگ شیمیایی متعلق به ارتش آلمان قدال را نشان می‌دهد که با سر نشینان آمریکایی آن به منطقه ارسال می‌شود.

این رژیم اعلام داشته است که در صورت حمله نظامی آمریکابه عراق، عملیات انتقامی خارج از منطقه خلیج، گریبان او را خواهد گرفت. سخنگوی دولت عراق در سخنان ۳۵ شهریور ماه خود، حتی سطح تهدید را بالا برده و گفت: "هر گاه حمله نظامی به عراق صورت بگیرد، تمام چاه‌های نفت خلیج را به آتش خواهیم کشید."

رژیم عراق هم، فقط به حرف کفایت نمی‌کند. مسدود کردن دارایی کشورهای که در محاصره دریایی علیه عراق شرکت دارند و افزایش تعداد سربازان مستقر در خاک کویت، که از زمره اقدامات جدید صدام است نشان می‌دهد که عراق شق وقوع جنگی خطرناک را به هیچ وجه از مد نظر دور نمی‌دارد.

تا به امروز تلاش‌های بین‌المللی برای حل بحران خلیج - عقب‌نشاندن عراق از کویت و متوقف کردن اعزام نیرو از سوی ناتو به منطقه و بازگشت دادن نیروهای اعزامی به مبدا حرکت خود، به ثمر ننشسته است. حتی خاویز پرز دوکوتیار که بنا به موقعیت ویژه خود معمولاً اظهار نظرهایش را با بیان حد امکان نزدیکی به صلح در هر تشنج پدید آمده همراه می‌کند، مجبور به این هشدار شده است، "بحران خلیج می‌تواند به یک جنگ جهانی فراوید."

بقیه در صفحه ۲

حافظ اسد

به تهران رفت

در صفحه ۲

نقشه‌های رژیم برای "آزادگان"

می‌کند؟ اگر این رژیم، رژیمی بود دارای حداقل اصول انسان دوستانه و اگر سردمداران آن پذیرفته بودند که ۶ سال ادامه جنگ از سوی آنها اشتباه و فاجعه‌ای بزرگ بوده است. می‌شد دلسوزی آنها نسبت به اسرای آزاد شده را نوعی تلاش برای جبران اشتباه درباره‌ی از قربانیان درجه اول این اشتباه دانست. اما صرفنظر از جنبه‌های تبلیغی مسئله، رژیم از این همه دلسوزی‌ها و امتیاز دادن‌ها منظور دیگری را تعقیب می‌کند و

بقیه در صفحه ۳

دست رفته زندگی آنان برآید و کمک‌شان کنند تا بتوانند زندگی خود را از نوس و سامان دهند. اما دلسوزی رژیم برای آزادشدگان غیرطبیعی می‌نماید. غیرطبیعی از این نظر که رژیمی که اصولاً برای جان انسان‌ها ارزشی قائل نیست و صدها هزار تن از آنها را در جنگی بیرحمانه قربانی ساخته و دهها هزار تن دیگر از آنان را به جرم آزادی خواهی در برابر جوخه اعدام قرار داده، چرا برای بازگشت گروهی از همین انسان‌ها به کشور، این چنین شادمانی و دلسوزی

تبلیغات گسترده پیرامون بازگشت اسرا به کشور، هنوز با همان شدت روزهای اول ادامه دارد. مسئولان بزرگ و کوچک مملکتی به هر بهانه‌ای سخن به توصیف آزادشدگان می‌کشاند و با جملاتی شورانگیز تقدیرشان می‌کنند. رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها هر روز از اختصاص تسهیلات گوناگون در زمینه اشتغال، مسکن، تحصیل و سایر امور برای آنان سخن می‌گویند... طبیعی است که جامعه ما در قبال اسرای آزاد شده مسئول است و باید در جهت جبران سال‌های از

مدارس و دانشگاه‌ها جهت کنترل کوچکترین حرکات دانش‌آموزان و دانشجویان و بویژه حساسیت آنها در مورد بروز هرگونه حرکت اعتراضی صنفی و سیاسی، یکی از بزرگترین مشکلاتی است که بر ذهن و روان دانش‌آموزان و دانشجویان فشار می‌آورد و محیط‌های تحصیلی را فیر قابل تحمل می‌کند.

درس خواندن در ایران هر قدمش با مشکلات فراوان روبروست. همه این مشکلات زمینه ساز اعتراض دایمی دانش‌آموزان و دانشجویان علیه شرایط موجود در محیط‌های آموزشی است. اقدامات رژیم نظیر تهدید، اخراج، دستگیری و کنترل دایمی مدارس و دانشگاه‌ها هر سال بیشتر کارایی خود را از دست داده است. سال گذشته

در این شماره

☆ یازدهمین دوره بازی‌های آسیائی - پکن

در صفحه ۴

☆ یافته‌های نو در برخی از رشته‌های دانش معاصر

در صفحه ۸

☆ پژوهش‌های ژئولوژیکی

در صفحه ۵

☆ از سخنرانی رهبر حزب سوسیالیست مردم‌گرا آلمان

در صفحه ۶

می‌رود سال تحصیلی جدید توأم با اعتراضات بیشتری علیه رژیم باشد. جز این چاره دیگری باقی نمانده است. در ایران برای درس خواندن باید قدم به قدم جنگید و مبارزه کرد.

مدارس و بویژه دانشگاه‌ها شاهد شکل‌گیری حرکات اعتراضی فراوانی بودند که به دلایل صنفی و در برخی موارد سیاسی به وقوع پیوست. شرایط بروز نارضایتی امسال از بین نرفته، بلکه بیشتر شده است. و به همین دلیل انتظار

خلیج فارس در تلاطم بیم و امید!

بقیه از صفحه اول

اگر چه به هیچ وجه نمی توان مطمئن بود که روند مقابله نظامی و جنگ بر روند حل سیاسی بحران پیشی نگیرد، اما با این همه به نظر می رسد که فعل و انفعالاتی در جریان است تا بروی رفع بحران از خلیج، نقطه تعادلی بدست آید. چنان حدی از تعادل، که منافع حداقل طرفین ماجرا در آن تامین شود.

مداخله آمریکا در خلیج، بیشتر یک مداخله بازدارنده و یک آمادگی برای اقدام نظامی مستقیم، ضربتی و به موقع در شرایط گسترش دامنه بحران اخیر و یا وقوع بحران های جدید در آینده است. آمریکا، تمرکز بیسابقه نیروی عظیم نظامی در خلیج را، در لحظه کنونی قبل از همه وسیله اعمال فشار به عراق برای کاهش سطح توقع آن قرار داده است. در واقع، آمریکا به هدف اصلی خود که همانا حضور مستقیم نظامی در منطقه و تداوم آن است، رسیده است. آمریکا، در پی بهانه ای که صدام به دستش داد، توانست اندیشه ای را که سخنگویانی چون کیسینجر و برژنفسکی صریحا بر زبان

میرانند، به اجرا درآورد. اندیشه ای که طبق آن، آمریکا سروش جهان است. بنابراین طبیعی است که اجرای این اندیشه در منطقه حساس نفتی خلیج که در آن خلا نیروی مقتدر وفادار به غرب کاملا محسوس است، با حضور نظامی آمریکا در این منطقه ضمانت بیابد. آمریکا، می دانسته که در جلوگیری از بحران در خلیج، عقب افتاده و برای آن امکان عمل به گونه ماجرهای گرانادا و پاناما نبوده است. اکنون، آمریکا بر آنست که حتی المقدور وارد جنگ بی چشم انداز با عراق نشود ولی برای عقب نشاندن عراق از کویت نیز، زمان را از دست ندهد.

عراق نیز می داند که برای بلعیدن لقمه بزرگی چون کویت، از نیروی حمایتی کافی در جهان و منطقه برخوردار نیست. صدام حسین، فقط روی نارضایتی رو به گسترش در افکار عمومی غرب نسبت به احتمال درگیر شدن شان در جنگی تمام عیار در خلیج، بروز اختلافات در میان دول غرب بر سر تداوم استقرار نیروی سنگین نظامی در خلیج و هزینه گمرشکن آن، و روی تشدید ناسیونالیزم

عربی و تقویت موقعیت خود در جهان عرب به گونه ای که در صف آرایی کنونی به سودش تغییر ایجاد کند، حساب باز کرده است. از این رو، صدام حسین ادامه بحران و زمان را تا آنجا که به جنگ فراروید به سود خود می بیند. صدام حسین تامین شرایط برای کسب امتیاز بیشتر را تعقیب می کند. برخی شواهد حاکی از آن است که احتمال ظهور یک راه حل آمریکایی - عراقی برای بحران خلیج که در چهره عربی تجلی یابد، به هیچ وجه کم نیست. یعنی، ظاهر قضیه به شکل توافق اعراب برای راضی کردن صدام حسین و حفظ کویت مستقل به عنوان یک عضو جامعه عرب را به خود بگیرد. قضیه ای که ااماد پشت آن پذیرش تعادل جدیدی در خلیج است که تداوم حضور مستقیم نظامی آمریکا از ارکان آن خواهد بود. ملاقات سه جانبه اخیر ملک حسین شاه اردن، شاذلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر و ملک حسن سلطان مراکش اعلام این نکته از سوی ملک حسین که راه حلی برای بحران پدید آمده و نیز پیشنه ها دات یاسر عرفات که حاوی امتیازات مهم برای

عراق و در عین حال عقب نشینی آن از کویت است، جملگی مبین آن است که احتمال فوق از زمینه تحقق بالایی برخوردار است.

عراق، به دینار کویت و حتی احتمالا به تقبل پرداخت پول هنگفت از سوی ثروتمندان جامعه کشورهای عرب، به جزایر بوبیان و وره و دست یابی مطمئن و تضمین شده به خلیج فارس، چشم دوخته است و از این امتیازات که آنها را قابل حصول ارزیابی می کند، کوتاه نمی آید. اگر جامعه عرب، این خواست ها را برآورد کند و روشن کردن تکلیف آل صباح و حکومت آینده کویت را به شیوه عربی و به دست خود اعراب سر و سامان دهد، به احتمال بالا عراق دیگر مشکل چندانی نخواهد داشت.

علیرغم همه آنچه که گفته شد، خطر گسترش بحران و وقوع جنگ مهارناپذیر و بزرگ ابعاد در خلیج را نباید منتفی دانست. باید همه نیروی صلح جهانی، در جهت تقویت نقش سازمان ملل متحد در حل بحران خلیج، برگردان امنیت و آرامش به آن و خروج نیروهای نظامی متجاوز از کویت و منطقه متمرکز شود.

را بسود خود بداند و خلاصه آنکه می تواند کل منطقه شعله ور گردد.

نتیجه می تواند تنها به گسترش درگیری محدود نماند، بلکه به محروم گشتن غرب از ذخایر نفت منطقه منتهی گردد. در چنین حالتی هدف دوم یعنی اخراج عراق از کویت می تواند ناخاسته به نفعی هدف مرکزی یعنی دسترسی غرب به نفت منجر گردد. این امری است تراژیک که بخاطر دسترسی به نفت ممکن است عراق تحت فشار محتاطانه بین المللی مدتی در کویت باقی بماند.

استدلالات بالا بدان معنا نیست که تجاوز صدام موذی و فحش قرار گیرد. بلکه به خاطر آن است که مابین سیاستی که بر مبنای ضرورت ها بنا می گردد و سیاستی که بر اساس برانگیختن هیستری مردم بنیان

مقامات اسرائیلی از گسترش بی ثباتی در اردن و سایر کشورهای عرب سخن گفته و نتیجه می گیرند که ایالات متحده باید سریعاً دست به عمل زندوگر نه با خطر گسترش آشوب در جهان عرب مواجه خواهد بود.

تحلیلگران اسرائیلی معتقدند علیرغم آنکه دولت بوش موفق به شکل دهی اتحادی علیه عراق گردیده، که شامل عربستان، مصر، سوریه و مراکش نیز می گردد، در صورتی که بحران تداوم یابد و صدام حسین به ارائه شعارهایی جهت تحریک احساسات ناسیونالیستی اعراب ادامه دهد، دولت های عرب بالقوه با خطر ناآرامی های جدی در کشور خویش مواجه خواهند بود.

مقامات هائیرتبه اسرائیلی اظهار می دارند که بالاخص هلائم هشدار دهنده بیشمار در رابطه با موقعیت اردن در دست دارند. یکی از مقامات هائیرتبه بیان کرد "بنظر ما می رسد که شاه کنترول کشور را از دست داده است." این مقامات معتقدند، آمریکا احتمالا نمی تواند در انتظار نتایج تحریم اقتصادی علیه عراق که ممکن است ماه ها به درازا بکشد باقی بماند. تحلیلگران اسرائیلی معتقدند بهترین شق برای آمریکا، وارد آوردن ضربه سنگین هوایی و موشکی علیه عراق در آینده ای نزدیک است. ضربه ای که امکانات عملیات تعرضی عراق را سلب کرده و روحیه ارتش آن کشور را درهم شکند.

یک مقام هائیرتبه اسرائیلی اظهار داشت "زمان در این موقعیت علیه آمریکا و همه ما عمل می کند. آنچه روشن است این است که اگر اوضاع به همین منوال پیش رود، ناآرامی ها ممکن است به اردن سرایت نموده و در نهایت دامنگیر ما نیز گردد." مقامات اسرائیلی در مورد نقل و انتقالات نظامی عراق، دو هفته قبل از حمله عراق به کویت به واشنگتن هشدار داده بودند.

حافظ اسد به تهران رفت

فارس، مابین این دو متحد دیرینه شکاف افتاد. حافظ اسد نیروهای نظامی خود را به عربستان سعودی اعزام کرد. اقدامی که از نظر جمهوری اسلامی قرار گرفتن در کنار آمریکا و عربستان به شمار رفت. حافظ اسد روز دوازدهم سپتامبر چند روز پیش از دیدار به تهران در سخنانی که در روزنامه های وابسته به رژیم نیز بازتاب یافت، ضمن حمله به آمریکا از اقدام خود مبنی بر اعزام نیرو به عربستان دفاع کرد و تاکید کرد "آنچه در مورد همسویی سیاست ما با کشورهای بیگانه در این منطقه گفته می شود دروغ آشکار است زیرا ما نمی توانیم کشورهای عرب خلیج (فارس) را رها سازیم تا مورد تجاوز نظامی بیگانگان و توطئه گران قرار گیرند."

موضوع مذاکرات رئیس جمهور سوریه و مقامات جمهوری اسلامی، یافتن راه حلی برای اختلافات پیش آمده میان دو رژیم و اتخاذ مواضع نزدیکتر نسبت به بحران خلیج فارس، گزارش شده است.

گذارده می شود تفاوت قائل گردید. نمونه چنین هیستری، مقایسه اساسا نادرست صدام و هیتلر است. این مقایسه بر این واقعیت چشم می پوشد که هیتلر نیرومندترین کشور اروپا با ۷۵ میلیون جمعیت راربری می کرد و قادر بود از نظر صنعتی جنگ طولانی مدتی را تحمل کند و صدام بر کشوری ۱۷ میلیونی فاقد صنایع جنگی و حتی مواد غذایی حکومت می کند.

در شرایطی آمریکا می بایست با قدرت و حتی به طور منفرد ملی هوشمندانه عمل کند. سیاست آن باید ممانعت از تجاوز و نه هدایت یک جنگ صلیبی باشد. اگر بخواهیم صریح صحبت کنیم، تامین جریان نفت مسئله آمریکاست و آزادی کویت یک مسئولیت بین المللی است.

جاکسون دیهل تفسیری از نظریات مقامات اسرائیل

اسرائیلی ها معتقدند، آمریکا می بایست سزیه را وارد آورد

یک مقام برجسته نظامی اسرائیلی در مصاحبه با خبرنگاران غربی اظهار داشت اسرائیل بالاخص نگران حوادث اردن است. وی گفت: "از این سوی مرز بوی جنگ به مشام می رسد. شاه و رژیم وی این را تقویت می کنند." مقامات اسرائیلی در مورد اعلام آمادیه باش کامل نظامی ارتش اردن هشدار داده و اظهار داشتند که اردنی ها کارهای عجیبی انجام می دهند و از این میان از فراخواندن افراد ذخیره ارتش، تمرین اعلام حمله هوایی در امان نام می برند.

مقام اسرائیلی اظهار داشت "آن ها در حال آمادیه نمودن ارتش و مردم اردن برای یک جنگ احتمالی در آینده ای نزدیک هستند. شاید آن ها چیزهایی می دانند که ما نمی دانیم و شاید می خواهند با عراق همراهی کنند."

مقامات اسرائیلی می گویند آن ها همچنین نشانه هایی از گسترش تشنج در سوریه در دست دارند. جایی که پریزدنت حافظ اسد سیاست بیست ساله مقاومت در برابر اهداف غرب را تشییر داده و به سیاست تحریم علیه عراق پیوسته است. پوسترهائی در تمجید صدام و انتقاد از همراهی اسد با غرب در شهرهای هاما و هومز که از پایگاه های فاناتیک های اسلامی است دیده شده است. در دره دروز و در بلندی های جولان نیز چنین حرکاتی به چشم خورده است.

به نظر می رسد سوریه می کوشد در زمینه استقرار نیروهای نظامی کمترین تعهدات را در مقابل مصر و آمریکا بپذیرد. کمتر از یک باریگاد سرباز سوری وارد عربستان گردیده و به همین ترتیب نیروهای محدودی به سمت مرز عراق و سوریه حرکت کرده اند.

بقیه در صفحه ۶

هفته گذشته مقالاتی از کیسینجر و آنتونی بن در رابطه با بحران خلیج فارس درج گردید. در این شماره، دو مقاله از برژنفسکی، مشاور امنیتی کارتر و از چهره های برجسته حزب دموکرات آمریکا و مقاله ای در توضیح نظر مقامات و تحلیلگران اسرائیلی درج می گردد.

برژنفسکی:

"جریان نفت را تامین کنید، آزادی کویت می تواند دیرتر حل شود"

این ها سخنان پوچ نیستند و اگر دو پیش زمینه تامین گردد، مادیت خواهند یافت. اول آنکه عمل مشترک واقعا بین المللی باشد و نه یک لشکرکشی بزرگ آمریکا ولو با پرچم سازمان ملل. این بدان معناست که این تلاش باید مورد حمایت جدی قرار گیرد و هیچ جایی برای طفره رفتن شوری یا ژاپن یا هر بازیگر همده دیگر وجود نداشته باشد و حداقل چند کشور عرب در اعمال فشار مداوم بعراق شرکت جویند و بهای آن نیز در سطح جهان بر اساسی قابل قبول تقسیم گردد.

دوم آنکه هر فشار بین المللی بر عراق از طریق تحریم یا محاصره اقتصادی می بایست در جهت طرح ریزی گردد که آن را به مذاکره وادار کند. کوشش باید برای اعمال فشار بعراق و نه له کردن آن صورت گیرد. در این زمینه تمایزی جدی وجود دارد و در چگونگی اعمال سیاست فشار خود را نشان می دهد. هدف نباید تسلیم بدون قید و شرط همچون جنگ جهانی دوم بلکه یافتن راه حل هائی از طریق مذاکره باشد.

عدم توجه به این امر ما را با یک رژیم مستاصل مواجه خواهد ساخت که از سر ناامیدی باهمالی دست خواهد زد تا محاصره اقتصادی عراق توسط جامعه بین المللی را به جنگ بزرگ توده های تحریک شده عرب علیه آمریکا بدل سازد. در این راه یکی از تاکتیک ها مثلا می تواند حرکت بسمت اردن و بدین وسیله وادار کردن اسرائیل بواکنش و سپس بوجود آوردن بحرانی وسیع تر باشد.

در هر حالت بسیار پراهمیت است که ایالات متحده از تبدیل شدن به نوک پیکان هر کوششی اجتناب ورزد و طبیعتا راجع به عمل منفردانه آمریکا برای اخراج عراق از کویت نباید صحبت کرد. تصور در عدم رعایت احتیاط در این زمینه می تواند بعواقب ناگوار منجر گردد.

اول آنکه بهای هر تلاش نظامی برای اخراج عراق از کویت می تواند سنگین باشد. قابل تردید است که مردم آمریکا تلفات انسانی سنگینی را برای بازگرداندن امیر کویت به تاج و تخت خویش بپذیرند.

بعلاوه نباید فراموش کرد که موضع تهاجمی آمریکا و فشار نظامی برای اخراج عراق و با اعمال محاصره اقتصادی باریک های بزرگی همراه خواهد بود. احتمال گسترش بحران شیر قابل اضماع است. طرف های متعددی در منطقه در انتظار بهره برداری از فشار نظامی و خونریزی هستند. هم ایران و هم سوریه برای حل مسائل کهنه سیاسی و ارضی و سوسه خواهند شد. دولت لیکو در اسرائیل بدخالت نظامی تمایل دارد. عراق حتی ممکن است گسترش درگیری

منافع واقعا حیاتی آمریکا در بحران کویت تامین منبع باثبات نفت با قیمت معقول برای جهان غرب است. تهاجم عراق علیه کویت آشکارا این امر را به خطر انداخته است. این تهاجم تنها بمعنی تحت تابعیت درآمدن کشورهای خلیج فارس توسط قدرتی است که بیرحمی و ستگرایی های رادیکال خود را اثبات نموده است. اگر ایالات متحده بر خلاف آنچه عمل کرد، قادر به پاسخگوئی سریع نمی گردید، عراق می توانست به قدرت فائق منطقه بدل گردیده و تعیین کننده نهائی قیمت نفت گردد.

از زمان تدوین دکترین کارتر در منطقه که توسط ریگان نیز تعقیب گردید، سیاست آمریکا اعمال قدرت در شرایط ضرور برای ممانعت از تسلط هر دشمن بر خلیج بوده است. دخالت نیروی دریایی آمریکا در حادثه ترین لحظات جنگ ایران و عراق انعکاسی از این تصمیم بود. باین دلیل جرج بوش زمانی که تصمیم گرفت نیروهای نظامی آمریکا را در منطقه مستقر نموده و مانع پیشرفت بیشتر عراق گردد و به عربستان و دیگر کشورهای خلیج اطمینان دهد که آمریکا حتی اگر تنها باشد نیز تا حد درگیری نظامی پیش خواهد رفت، تصمیمی هوشیارانه و در راستای اهداف استراتژیک آمریکا اتخاذ نمود.

در پناه سپر قابل اتکا آمریکا، همکاری کشورهای تولیدکننده نفت برای بالا بردن تولید امکان پذیر گردیده است. حتی ایران دشمن نیز مایل است تولید را بالا برد و کشورهای دوست نه تنها در خاور میانه بلکه در سایر نقاط جهان قادرند جای خالی نفت عراق و کویت را پر کنند. از این رو اقدام دفاهی ایالات متحده در رابطه با عربستان منافع دیگر متحدین و کشورهای دوست آمریکارا تامین نماید.

بنظر می رسد در رابطه با این ضرورت ها در درون کشور اتفاق نظر وجود دارد و کابینه بوش به حق مورد حمایت وسیع قرار گرفت. اما در رابطه با دیگر اهداف سیاست آمریکا مسئله پیچیده تر است و بطور مشخص مسئله اشغال کویت.

اشغال و الحاق وحشیانه و متکی به زور یکی از اعضاء جامعه بین الملل توسط همسایه قدرتمندتر خویش نباید مورد پذیرش قرار گرفته و تحمل شود. اگر گونه دیگری عمل شود، نظم بین الملل به خطر خواهد افتاد.

این امر به پاسخی بین المللی نیازمند است و نه پاسخی که به تنهایی توسط آمریکا یا اساسا توسطوی داده شود. اگر جامعه بین المللی بتواند متحد اخراج عراق از کویت را عملی سازد، از هر لحاظ مثبت است. این امر درس مهم و نمونه برجسته ای از همکاری بین المللی در اولین بحران بزرگ پس از جنگ، سابقه مثبت و پراهمیتی برای آینده خواهد بود.

به یاد جانباختگان فاجعه ملی سال ۶۷

دو سال از فاجعه کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی در ایران می گذرد. هنوز پس از دو سال، ابعاد این فاجعه ملی در پرده ابهام است. نه تعداد دقیق اعدام شدگان، نه اسامی کامل آنان، نه تاریخ اعدام ها، نه وصیت نامه ها و نه حتی محل دفن بسیاری از شهدای فاجعه ملی، معلوم نیست.

نگذاریم هیچ یک از قربانیان کشتارهای سال ۶۷ در گمنامی بماند، به هر اندازه که می توانیم در روشن ساختن گوشه های تاریک این فاجعه مولناک بکوشیم.

نشریه "اکثریت" آماده دریافت و انتشار هر گونه اطلاعاتی در این زمینه است.

در شماره آینده نشریه، فهرست اسامی بخشی از جانباختگان کشتار همگانی سال ۶۷ که تاکنون جمع آوری شده است، درج خواهد شد.

گام به گام فاجعه

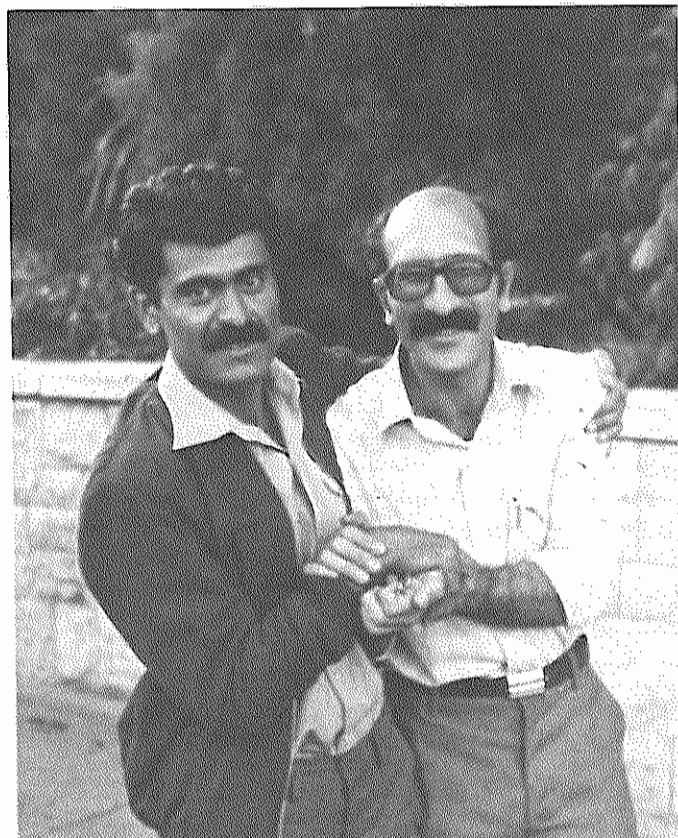
نیمه دوم مهر ماه ۶۷: نگرانی نسبت به وضع زندانیان سیاسی هر روز افزایش می یافت. قطع ملاقات ها نگران کننده بود. کسی خبر نداشت که در زندان ها چه می گذرد. خانواده های زندانیان سیاسی به هر جا که سر می زدند، نشانی از هزیزان خود نمی یافتند. اخبار جسته و گریخته، خبر از موج خون در زندان های کشور می داد.

نخستین هفته آبان: اولین اخبار هول انگیز دهان به دهان گشت: در گوهردشت کرج حدود صد تن را اعدام کرده اند. در آمل ده ها تن از زندانیان سیاسی اعدام شده اند. حتی در شهر کوچکی مثل لنگرود نیز تعداد اعدامی ها بسیار است. اخبار نگران کننده از زندان های اوین، اصفهان، رشت و سایر جاها به بیرون درز کرد. همه چیز خبر از کشتار بزرگی می داد. گفته می شد از مرداد ماه موج اعدام زندانیان سیاسی به راه افتاده است. اما هنوز کسی دقیقاً نمی دانست در پشت دیوارهای بلند و سرد زندان ها چه می گذرد. هنوز ابعاد فاجعه بر کسی روشن نبود.

نیمه آبان: عکس های تکان دهنده از یک گور جمعی متعلق به زندانیان سیاسی به خارج از کشور رسید و در مطبوعات مخالف رژیم به چاپ رسید. گور دسته جمعی آزادیخواهان در

چهارشنبه دوم آذر ماه: به دنبال یک ماه نگرانی طاقت فرسا که هر روز همراه با خبر اعدام های تازه ای بود، زنگ تلفن خانواده های زندانیان سیاسی به صدا درآمد. زندانیان از آنان خواستند که روز جمعه به مقر کمیته های مختلف در تهران مراجعه کنند.

جمعه چهارم آذر ماه: بستگان زندانیان با بیم و امید به سوی مقرهای اعلام شده شتافتند. یک ماه پیش در برابر زندان اوین به آن ها گفته بودند که هتو عمومی در پیش است و لیست هتو شدگان نیز تهیه شده است. آیا حالا...؟ بعضی از خانواده ها به خود سند منزل و پول به همراه آورده بودند. ضمانت نامه برای آزادی! گزارشی از تهران، آن روز سیاه را چنین توصیف کرده است: "در کمیته



بازو در بازو پیکار کردند و در کنار هم در راه آرمان هایشان سرفرازانه جان باختند. جانباختگان فاجعه ملی فدائیان خلق احمد تقی زنی و خلیل لطف الله زاده

گل صحرا (جاده ساوه) اولین نفری که نامش را خواندند، برادر یک زندانی بود. او به داخل کمیته رفت. وقتی که برگشت یک ساک در دستش بود که دست های مرتعش توان نگهداری آن را نداشت. مضافاً صورت بی رنگ شده اش منقبض شده بودند، در برابر آن همه نگاه پرسشگر، هیچ حرفی نمی توانست بزند... دومین نفر پیری بود که پرسش زندانی بود. وقتی که دقایقی بعد بیرون آمد، در همان چارچوب در کمیته، ساک و ساک و ساک را سر دست گرفت و تلو تلو خوران به پیش، به میان جمعیت آمد... دیگر همه فهمیدند چه پیش آمده است و آن ها را برای چه فرا خوانده اند. جمعیت از خشم می لرزید و از درد می گریست.

بدینگونه جمعه سیاه رقم خورد و فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی بر ملا گردید. در آن روز تنها در ع کمیته تهران ۲۵۵۰ ساک تحویل خانواده ها شد. بازمانده ۲۵۵۰ آزاده به خاک افتاده. و این هنوز همه فاجعه نبود. روزهای سیاه دیگری هم در پیش بود. از دوشنبه هفتم آذر تا پایان هفته، فقط در تهران، هر روزه نام ۹۰ شهید را اعلام کردند و بازمانده و ساکنان را به خانواده هایشان تحویل دادند.

دوشنبه چهارم آذر: نام ۱۴۶ شهید فاجعه کشتار همگانی در نشریه "اکثریت" اعلام شد. هفته بعد فهرست نام ها به ۱۹۴ تن رسید. رئیس دیوان عالی کشور در برابر اعتراض روزافزون جهانی اعتراف کرد.

"اعدام هائی" صورت گرفته است. اخبار تازه ای از کشتار هادر میان مردم پخش شد. از مشهد و قوچان خبر از اعدام صدها زندانی سیاسی آمد. در زندان همدان ۴۰ تا ۵۰ نفر کشتار شده اند. در شهرهای کوچک زندانیان سیاسی در ملاعام به دار آویخته شده اند.

یک هفته بعد: بر فهرست نام ها، نام های تازه ای افزوده شد. حاجی کر بلائی یکی از مسئولین اوین به خانواده ها گفت: "سه بند شامل ۱۲۰۰ نفر را در اوین آب و جارو کرده و در هایش را بسته ایم". مسئولین کمیته خاوران خطاب به خانواده های زندانیان سیاسی اعلام کردند: "۸۶۴۰ نفر را کشته ایم چون آدم نشدند". سازمان هتو بین الملل اعلام کرد جنایات بر ملا شده فقط نوک کوه یخ است. و از آن هفته به بعد، هر روز خبر از اعدام های تازه رسید و بر فهرست نام های قربانیان فاجعه افزوده شد.

بهمن ماه ۶۷: اسامی جنایتکارانی که مسئول مستقیم کشتار همگانی زندانیان سیاسی بودند، فاش شد: هاشمی رفسنجانی، خامنه ای، موسوی اردبیلی، سید احمد خمینی، ری شهری، مشکینی، حاج آقا نیری (رئیس دادگاه های زندان اوین)، حاج آقا اشراقی (دادستان مستقر در زندان اوین)، پور محمدی (نماینده وزارت اطلاعات)، مرتضوی (مسئول زندان اوین) و دو تن دیگر که شناسائی نشدند. و در راس همه تبهکاران روح الله موسوی خمینی.

شهریور ۶۹: نام و یاد هزاران قربانی فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی در قلب ها جاودانه است. مردم ایران آشکار و پنهان اولین سالگرد شهادت فرزندان قهرمان خود را که در سال خونین ۶۷، در راه آزادی پیشانی بر خاک نهاده اند، گرامی می دارند.

بقیه از صفحه اول
ناظران سیاسی این مواضع را به معنای هتو نشینی جمهوری اسلامی در برابر جامعه بین المللی و تعدیل سخنان "رهبر انقلاب" تلقی کرده اند. با این حال آشفتگی در سیاست جمهوری اسلامی همچنان باقی است. ریشه این آشفتگی از جمله در کشاکش دایمی جناح های حکومتی نهفته است. تندروها که بعد از نطق خامنه ای جان تازه ای گرفتند، خواهان کشتادن بیش از پیش سیاست خارجی رژیم به تقابل و

نقشه های رژیم برای "آزادگان"

بقیه از صفحه اول
خواب های زیادی در مورد "آزادگان" دیده است. گروه زیادی از آزادشدگان از سر اعتقاد به جمهوری اسلامی و بطور داوطلبانه به جبهه ها پیوستند. بسیاری از آنها به دلیل سالها دوری از وطن و محبوس بودن در زندان ها و بازداشتگاه های بیگانه، هنوز در باور شعارهای فرییکارانه رژیم هستند و خود را نزدیک دورویی، دور فکویی و جنایت های بیشمار حکومت را لمس نکرده اند. رژیم روی این هوامل حساب می کند. و با گشاده دستی در بخشیدن امتیازات گوناگون می خواهد که گروه هر چه بیشتری از آزادشدگان را در چنگال خود نگاه دارد. سران حکومت خیال دارند از میان ۵۰ هزار اسیر بازگشته، یک نیروی گوش به فرمان و سرکوبگر فراهم آورند و این نیرو را در خدمت پیشبرد سیاست های خود قرار دهند.

آنچه در زیر می خوانید، بخش هایی از گزارشی است در مورد ایران که توسط یکی از دوستداران "اکثریت" برای نشریه ارسال شده است.

گرانی بیش از حد در هر مورد از زندگی مردم بچشم می خورد. مثلاً در مورد پوشاک، اجاره خانه، آب، برق، تلفن، لوازم تحریر و... گرانی در ایران هیچ حد و مرزی نمی شناسد. هر کس با معیارهای خودش اجناس را به مردم می فروشد. مردم هم جدیداً کیف پول همراه خود ندارند و با بسته های اسکناس به خرید می روند. چند نمونه از اجناس و قیمت های آن ها را برایتان می نویسم.

گوشت کیلویی ۲۵۰ تا ۲۷۰ تومان
مرغ کیلویی ۱۱۰ تومان
شیر پاستوریزه هر عدد ۹ تومان
ساندویچ معمولی با نان بسیار نامرغوب ساندویچ ۳۵ تومان
نوشابه هر عدد ۸ تومان
میوه سرسام آور گران

جوراب بچه گانه ۱۳۰ تومان
بلوز ۴۰۰ تومان
شلوار کوتاه ۷۰۰ تومان برای بچه های ۸ سال
کنش مردانه از ۳۰۰۰ تومان به بالا. کنش زنانه که بتوان از آن حداقل ۶ ماه استفاده نمود ۴۰۰۰

تخاصم با امریکا هستند و رفسنجانی که تلاش های سیاسی را برای بازسازی مناسبات ایران با غرب کرده است می کوشد، روند نزدیکی به غرب و امریکا را که در مدت ریاست جمهوری او مشخصه اصلی سیاست خارجی دولتش بوده است ادامه دهد و شتاب بیشتری به آن ببخشد. اما این آشفتگی در سیاست دلیل دیگری هم دارد، معاملات پشت پرده هرات نظیر ارسال کالا به آن کشور و قراردادهای نفتی دو جانبه چشم انداز سودهای

نقشه های رژیم برای "آزادگان"

اهمیت این موضوع برای ملایان حاکم در آنجاست که آنها روز به روز حتی در میان هواداران خود بیشتر بی آبرو می شوند و نیرویی را که بتوانند به آن اعتماد کنند هر روز بیشتر از دست می دهند. بخش بزرگی از کادرهای مطمئن و مورد اعتماد آنها در جریان جنگ و به وسیله ترورها از بین رفته اند و حکومت هرگز نتوانسته است جای آنها را پر کند. ارگان های مورد اعتماد و "خودی" نظیر سپاه و بسیج و کمیته نیز مدتهاست که دیگر آنگونه که باید اعتماد برانگیز نیستند. در این شرایط که حاکمان روز بروز بیشتر دور و بر خود را خالی می بیند، بازگشت "آزادگان" را فرصت مناسبی یافته اند برای فراهم آوردن یک نیروی مطیع و گوش به فرمان.

اما امیدهای رژیم بی اساس است. آزادشدگان به تدریج به میهن باز می گردند و در

گزارشی از ایران

شهر تهران با رفتن برق، آب نیز قطع می شود.

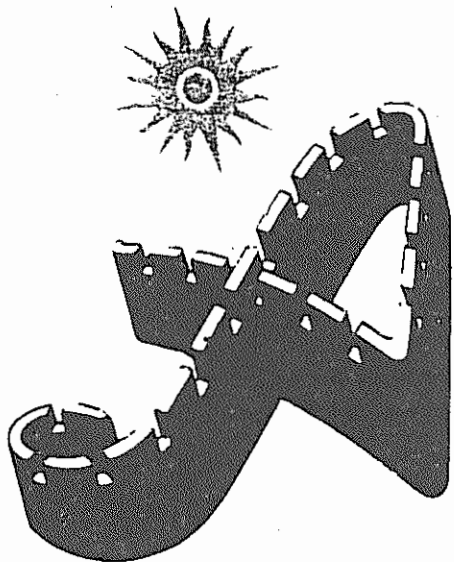
کرایه تاکسی هم سرسام آور است. آن اس ها کمترین مسیر را با ۱۵۰ تومان می برند و تاکسی ها هم دیگر گوش نمی دهند مسیر کجاست، بلکه مبلغ را گوش می دهند.

خوابگاه های اجتماعی:

خفقان بیش از حد سایه خودش را بر ایران افکنده است. تقریباً می توان گفت کسی جرات حمل سیاسی ندارد. سریع دستگیر و به زندان سپرده می شود. جوان ها خواستار آزادی در پوشیدن لباس و گردش هستند. جوان های ایران هیچ چیزی ندارند. به همین دلیل در صدها اعتیاد به مواد مخدر بسیار بالاست. بعثت های گوناگون اجتماعی در صداطلاق بالاست.

گشت جدیدی در ایران تاسیس شده است بنام گشت تامین که به گفته مردم، تعلیم دیده در لبنان می باشند و بنزهای ۱۹۰۰ مشکلی دارند که با رنگ سبز روی آن نوشته شده گشت و یژه ۴ سر نشین بالباس های کماندو ها ولی مشکلی دارند. کلاه هایشان بڑ می باشد و به کمرشان یک دستبند و یک کلت بسته شده است. آن ها اجازه هر گونه کاری را بدون هیچ حکمی دارند، از خلافی ماشین ها تا مصادره اموال و دستگیری و...

شعاربازیها: اتحاد، دوستی و پیشرفت



شعار یازدهمین دوره بازیهای آسیایی پکن "اتحاد، دوستی و پیشرفت" است. علامت ویژه این دوره از بازیها که در بالای این صفحه ملاحظه می کنید، طرحی است به شکل حرف "A" به نشانه آسیا و به شکل دیوار بزرگ چین. این حرف در سیستم شمارش روم باستان به علامت عدد ۱۱ به کار می رفته که نشان دهنده یازدهمین دوره بازیهای آسیایی است. تصویر خورشید با ۱۶ پرتو در خشان، سمبل شورای المپیک است. علاوه بر آرم رسمی بازیها، چینی ها علامت دیگری نیز به عنوان سمبل بازیها انتخاب کرده اند، که تصویر جانوری است به اسم "پاندا". در چین به این جانور "پن پن" می گویند، به معنی امید و آرزو.

عراق محروم شد

شورای المپیک آسیا کشور عراق را از شرکت در یازدهمین دوره بازیهای آسیایی محروم کرد. این تصمیم به خاطر تجاوز عراق به کشور کویت و پیوستن شورای المپیک آسیا به تحریم های گسترده سازمان ملل متحد علیه این کشور صورت گرفت. این تصمیم بویژه، تحت فشار کشورهای عربی اتخاذ شد. بسیاری از کشورهای عربی پس از تجاوز عراق به کویت خواستار محروم کردن عراق از شرکت در بازیها شده بودند. چند کشور، از جمله عربستان تهدید کرده بودند که اگر شورای المپیک آسیا مانع شرکت ورزشکاران عراقی در بازیها نشود، در آن صورت این بازیها را تحریم خواهند کرد. چین کشور میزبان در این زمینه موضع متفاوتی داشت و از عدم دخالت سیاست در ورزش دفاع می کرد. شورای المپیک آسیا پس از نظر خواهی از کشورهای عضو، رای به اخراج عراق از بازیها داد. کشور اردن نیز از شرکت در بازیهای آسیایی منصرف شد، مقامات اردنی، دلیل تصمیم خود را مشکلات مالی عنوان کرده اند.

آتلانتا ۱۹۹۶

آتلانتا، مرکز ایالت جورجیا، میزبان مسابقات المپیک سال ۱۹۹۶ خواهد بود. علاوه بر آتلانتا، شهرهای آتن، منچستر، تورنتو، بلگراد و ملبورن نیز داوطلب برگزاری دوره آتی مسابقات المپیک بودند. انتخاب آتلانتا در حالی صورت گرفت که همگان در انتظار انتخاب آتن به عنوان میزبان المپیک ۱۹۹۶ بودند. بسیاری آتن را مناسب ترین محل برای برگزار این بازیها می دانستند. آتن در سال ۱۸۹۶ محل برگزاری نخستین دور مسابقات المپیک مدرن بود.

حجم مبادلات تجاری ایران و انگلیس افزایش یافت

انگلیس تا پایان سال جاری به قوت خود باقی ماند ارزش آن به ۳۵۰ میلیون پوند یعنی بالاترین رقم از سال ۱۹۷۹ تاکنون خواهد رسید و این بدان معناست که انگلیس از نظر صدور کالا به ایران بعد از آلمان غربی و ژاپن مقام سوم را کسب خواهد کرد و جایگزین ایتالیا خواهد شد.

بر طبق ارقام منتشره توسط وزارت بازرگانی انگلیس واردات ایران از انگلیس ظرف هفت ماه اول سال ۱۹۹۰ به ۴۸ درصد افزایش داشت و به ۲۰۳ میلیون پوند رسید و صادرات ایران به انگلیس که عمدتاً نفت خام بوده است اکنون یک دایجست "میه" می نویسد: اگر افزایش واردات ایران از

بازی های آسیایی از دهلی تا پکن

اولین دوره بازیهای آسیایی در سال ۱۹۵۱ در دهلی نو با حضور ۴۸۹ ورزشکار از ۱۱ کشور آسیایی آغاز شد. در دهمین دوره بازیها در سئول ۴۷۰۰ ورزشکار از ۲۷ کشور قاره پهناور ما حضور داشتند. تاکنون شهرهای دهلی (۲ بار)، مانیل-توکیو-جاکارتا-بانکوک (۳ بار) تهران-سئول-پکن میزبان بازیها بوده اند.

ورزشکاران ژاپنی، موفقترین ورزشکاران آسیایی بوده اند. از نخستین دوره تا هشتمین دوره بازیها، ژاپنها بدون رقیب پر بام ورزش آسیا قرار داشتند و قهرمان همه دوره های بازیهای آسیایی شدند. نخستین بار در سال ۱۹۸۲ در دهلی نو ورزشکاران چین به حاکمیت ژاپن بر ورزش آسیا پایان دادند و با کسب ۶۱ مدال طلا در برابر ۵۷ طلای ژاپن قهرمان بازیها شدند. در سئول ژاپن یک پله دیگر سقوط کرد و بدنبال چین و کره جنوبی مقام سوم آسیا را به دست آورد.

ورزشکاران ایران تاکنون در ۷ دوره این بازیها شرکت داشته اند. تیم ایران در این مسابقات ۷۶ مدال طلا بدست آورد که ۳۶ مدال آن مربوط به بازیهای آسیایی تهران است:

در اولین دوره در دهلی نو-۱۹۵۱

در سومین دوره در توکیو-۱۹۵۸

در پنجمین دوره در بانکوک-۱۹۶۶

در ششمین دوره، بانکوک-۱۹۷۰

در هفتمین دوره، تهران-۱۹۷۴

در نهمین دوره، دهلی-۱۹۸۲

در دهمین دوره، سئول-۱۹۸۶

ورزشکاران ایران با کسب ۸ مدال طلا به مقام سوم رسیدند ورزشکاران ایران با کسب ۷ مدال طلا چهارم شدند ورزشکاران ایران با کسب ۶ مدال طلا، ششم شدند ورزشکاران ایران با کسب ۹ مدال طلا، چهارم شدند. ورزشکاران ایران با کسب ۳۶ مدال طلا، ۲۸ نقره و ۱۷ برنز بعد از ژاپن به مقام دوم آسیا دست یافتند.

ورزشکاران ایران با کسب ۴ مدال طلا، هفتم شدند.

ورزشکاران ایران با کسب ۶ مدال طلا، چهارم شدند.

اقدامات امنیتی گسترده در پکن

خبرگزاری ها گزارش دادند که مقامات چینی بسیاری از مسافران شمرستانی پایتخت را که دلایل محکمی برای اقامت در پکن نداشته اند، به شهرستانهای خود بازگردانده اند. رقم این افراد تا ۱۰۰ هزار نفر نیز ذکر شده است. در طول بازیها مسافرت به پکن، مگر با اجازه مخصوص، ممنوع خواهد بود. دولت چین، برای تامین امنیت بازیها و جلوگیری از بروز اعتراضات، کره جنوبی را سرمشق قرار داده است. ۴ سال پیش کره جنوبی هنگام برگزاری دهمین دوره بازیها در سئول، با مشکلات امروز چین مواجه بود.

باید دید جنبش دموکراسی در چین تا چه اندازه می تواند صدای اعتراض خود علیه خفگان و سرکوب رابه گوش جهانیان برساند.

دولت جمهوری خلق چین برای یازدهمین دوره بازیهای آسیایی تدارکات فوق العاده ای دیده است و می خواهد با برگزاری موفقیت آمیز این مسابقات خاطره سرکوب جنبش دموکراسی در سال گذشته در این کشور را تا حدودی از خاطره ها پاک سازد. چینی ها در همین حال نگران بروز ناآرامی در روزهای هستند که بازیها جریان دارد.

به گزارش خبرگزاری ها دولت چین تدارکات امنیتی گسترده ای برای جلوگیری از بروز هرگونه اعتراضی فراهم دیده است. یک واحد چند هزار نفره ویژه پلیس برای حفاظت از ورزشکاران و میهمانان تشکیل شده است. پلیس ضدشورش تقویت گردیده و با ماشینهای آب پاش - به منظور پراکنده ساختن تظاهرات احتمالی - مجهز شده است. پلیس فرودگاه پکن تقویت شده است.



یازدهمین دوره بازی های آسیایی - پکن

یازدهمین دوره بازیهای آسیایی از روز شنبه در پکن پایتخت جمهوری خلق چین آغاز شد. بیش از ۶ هزار ورزشکار و همراه از ۳۶ کشور آسیایی رقابت برای بدست آوردن مدال های مسابقات را آغاز کردند. در این دوره از مسابقات مجموعاً ۹۳۹ مدال توزیع می شود. از ۳۱۳ مدال طلای بازیها ۳۰۸ مدال طلا جز مدال های رسمی بازیها خواهد بود و ۵ مدال به مسابقات غیر رسمی تعلق می گیرد. جدول تقسیم مدال ها در یازدهمین دوره بازیها را در زیر ملاحظه می کنید. (از آنجائی که در هر مورد تعداد مدال های نقره و برنز برابر مدال های طلا می باشد، به ذکر تعداد مدال های طلا اکتفا می کنیم.)

دو و میدانی	(مردان و زنان)	۴۳ طلا
تیراندازی	(مردان و زنان)	۴۰"
قایق رانی	(مردان و زنان)	۳۴"
شنا	(مردان و زنان)	۳۱"
کشتی آزاد و فرنگی	(مردان)	۲۰"
وزنه برداری	(مردان و زنان)	۱۹"
جودو	(مردان و زنان)	۱۶"
ژیمناستیک	(مردان و زنان)	۱۴"
مشت زنی	(مردان)	۱۲"
دوچرخه سواری	(مردان و زنان)	۱۱"
شمشیر بازی	(مردان و زنان)	۱۰"
شیرجه	(مردان و زنان)	۰۸"
بدمینتون	(مردان و زنان)	۰۷"
تنیس روی میز	(مردان و زنان)	۰۷"
تنیس	(مردان و زنان)	۰۷"
وشو	(مردان و زنان)	۰۶"
تیراندازی با کمان	(مردان و زنان)	۰۴"
گلف	(مردان و زنان)	۰۴"
سافت تنیس	(مردان و زنان)	۰۴"
بسکتبال	(مردان و زنان)	۰۲"
فوتبال	(مردان و زنان)	۰۲"
هندبال	(مردان و زنان)	۰۲"
هاکی	(مردان و زنان)	۰۲"
والیبال	(مردان و زنان)	۰۲"
کبادی	(مردان)	۰۱"
سپاک تاکرا	(مردان)	۰۱"
سافت بال	(زنان)	۰۱"
واترپلو	(مردان)	۰۱"

از رویدادهای ایران

شورای نگهبان صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس خبرگان را بررسی می کند

نمهبان اجتهاد آنان را تشخیص میدهد. گروه سوم کسانی که نزد هلمای شهر خود مشهور به اجتهاد هستند و قرائن و شواهد نیز نشاندهنده اجتهاد آنان است. گروه چهارم افرادی که نیازمند "امتحان" می باشند، برای امتحان این گونه افراد یک گروه در تهران و دو گروه در قم تشکیل می شود و کاندیداهای نیازمند امتحان به ممتحنان مراجعه و پس از دادن امتحان نتیجه آزمون برای شورای نگهبان ارسال خواهد شد. انتخابات مجلس خبرگان در ۱۶ مهر ماه برگزار می شود و کاندیدها از هفتم تا پانزدهم مهرماه فرصت تبلیغات دارند.

حسن گنجی رئیس نظارت بر انتخابات گفتگوی با کیهان که در شماره ۱۹ شهریور این روزنامه درج شده است در مورد انتخابات مجلس خبرگان اظهار داشت:

مجلس ثبت نام داوطلبان نمایندگی مجلس خبرگان که از ۶ شهریور آغاز شده بود در ۲۰ شهریور پایان یافت. از ۲۳ شهریور صلاحیت نامزدهای ثبت نام شده توسط شورای نگهبان آغاز شد و قرار است تا ۷ مهر ماه اسامی کاندیدهای تایید شده با انتشار آگهی اعلام شود. ثبت نام شدگان به ۴ گروه تقسیم می شوند: گروه اول کسانی که رهبری اجتهاد آنان را تایید کرده است. گروه دوم افرادی که شورای

در مناطق زلزله زده گیلان، سال تحصیلی از اول آبان ماه آغاز می شود

در سطح استان گیلان در سطوح مختلف تحصیلی ۶۰۰ هزار دانش آموز وجود دارند. پس از وقوع زلزله ۱۶۳ مدرسه به درجات متفاوت تخریب شده اند که احتیاج به بازسازی دارند.

از سوی مدیر کل آموزش و پرورش گیلان اعلام شد که امتحانات شهریور ماه دانش آموزان مناطق زلزله زده رودبار و همدار و روستای تابعه از اول تا ۱۵ مهر ماه برگزار می شود. سال تحصیلی در این مناطق از اول آبانماه آغاز می شود.

برای بزرگداشت هزارمین سالگرد به نظم در آمدن شاهنامه فردوسی، سال ۱۹۹۰ از سوی سازمان جهانی فرهنگی یونسکو، سال بزرگداشت فردوسی نامیده شده است. بدین مناسبت از چندین ماه پیش در کشورهای مختلف جهان مراسم گوناگونی از طرف ایرانیان و برخی محافل فرهنگی و آکادمیک جهان به منظور بزرگداشت فردوسی برگزار گردیده است. از آنجمله در شهر کلن آلمان فدرال نیز مراسمی به همین مناسبت برگزار شد. آنچه در زیر به چاپ رسیده، گزارشی است از یک شب سخنرانی و اجرای موسیقی ایرانی در این شهر که توسط یکی از دو ستاران و همکاران نشریه تهیه شده و در اختیار آن قرار گرفته است:

سخنرانی و اجرای موسیقی ایرانی در

بزرگداشت

هزاره فردوسی

مهر داد کی میانی

این سازها بیتی از شاهنامه را شاهد آورد.

بفرمود تا پیش در خواندند

بر و دسانش نشانند

یا:

بیای پیران به زنگ و درای جهان کرس از ناله کروانی چو یک پاس بگذشت از نیمه شب چه جوش اندر آورده چون چلب دکترو خوشام بیتی از شاهنامه را نیز که در آن از باربد موسیقی دان کهن ایران نام برده شده بود خواند:

کنون شیون باربد گوش دار سرمهر محتر به آقوش دار

این سخنرانی با آنکه هنوان موسیقی در حماسه فردوسی را داشت با این دو حکم یکی آنکه اگر اندامهای اصلی زبان ما حفظ

شده به همت شاعرانی چون فردوسی است؛ و دیگر آنکه آنچه امروز ما از موسیقی داریم ادامه تحول یافته همان موسیقی کهن است، پایان یافت.

بخش بعدی برنامه به اجرای موسیقی در دستگاه همایون، اختصاص داشت. این بخشی از برنامه را بهنام مناهجی با سنتور و ناصر شکاری که خود آهنگساز نیز هست با تنبک اجرا کردند. بهنام مناهجی هر چند در این بخش از برنامه به اجرای موسیقی سنتی ایران پرداخت، با این همه کارش در زمینه نوازندگی سنتور او از بداهت‌هایی، ویژه برخوردار بود.

بخش پایانی این برنامه به پرده خوانی اختصاص داشت. نام مجری این بخش بهمن پارسا بود. او که حرفه‌ای این کار نیست پیش از این نیز در برنامه‌ای در دوسلدورف همین پرده خوانی را با همین پرده اجرا کرده بود، مضافاً اینکه چون شوخی‌هایش تکراری بود برد کمتری داشت. این برنامه در سالنی با امکانات مناسب و با گنجایش تقریبی ۴۰۰ نفر اجرا گردید که متأسفانه بیش از نصف گنجایش سالن در آن شب حاضر نشدند. یکی از مهمترین علل کمی تعداد شرکت کنندگان، تبلیغات ضعیف و ناکافی از جانب گردانندگان این برنامه بود.

مجری و صحنه گردان برنامه بزرگداشت فردوسی در این شب، ایرج زهری بود که از چهره‌های شناخته شده نقد تئاتر ایران است. ایرج زهری خود برنامه مستقلی نداشت و صحنه گردانی آن شب نیز از ضعف‌هایی برخوردار بود. اجرای برنامه گاه از پائین سن و گاه از بالا؛ گاه با معرفی بسیار کوتاه سخنرانان و گاه بدون هیچ گونه معرفی صورت می‌گرفت.

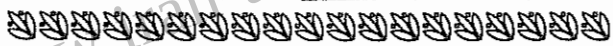
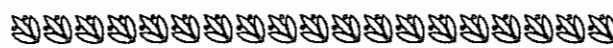
شنبه هشتم دسامبر در سالن ماترنوس (Maternushaus) واقع در شهر کلن آلمان فدرال مراسمی مرکب از اجرای دو سخنرانی و یک پرده خوانی و اجرای موسیقی بر پاگردید. این بزرگداشت از ساعت ۸ بعد از ظهر آغاز شد و در ساعت ده و سی دقیقه پایان یافت. برنامه با سخنرانی پرفسور دکترو روشن ضمیر با عنوان مدخلی بر حماسه فردوسی آغاز شد. مضمون این سخنرانی کنکاشی در تاریخچه اسطوره‌ها و پژوهشی در علل ماندگاری واژه‌های به کار گرفته شده در شاهنامه در ادبیات ایران و حتی در برخی از زبان‌های اروپایی بود. این سخنرانی به زبان آلمانی ایراد شد.

پس از سخنرانی دکترو روشن ضمیر، بهنام مناهجی آهنگساز و نوازنده سنتور به صحنه آمد و قطعه‌ای در دستگاه شور به نام "پریدخت" اجرا کرد. (در پایان این گزارش، اشاره‌ای دیگر به کار بهنام مناهجی و به ویژه قطعه پریدخت خواهیم داشت.) پس از تنفس، بخش دوم برنامه با سخنرانی دکترو محمود خوشنم با عنوان موسیقی در منظومه فردوسی آغاز شد. دکترو خوشنم هلیرقم انتظار آنجا که با نام و کارهای او آشنایی دارند، سخنرانی کوتاه و مختصری ارائه داد. این سخنرانی استخراجی بود از اشعار بخشی از شاهنامه (خسرو و شیرین) که در آن به موسیقی و سازها اشاره شده بود. دکترو خوشنم با اشاره به این نکته که پس از تسلط اعراب رشته پیوند ایرانیان با موسیقی دوران ساسانی و بطور کلی با موسیقی کهن ایرانی از پیوستگی افتاد، چنین ادامه داد که فردوسی در زمینه آگاه کردن مردم ما از فرهنگ موسیقایی گذشته ایران، خدمت شایانی کرده است.

او استفاده مکرر فردوسی از واژه‌های رامشگر (به معنای نوازنده) و خنیاگر (به معنای خواننده) را شاهد گفته خویش آورد و به اشاره اشعاری از فردوسی در این زمینه پرداخت:

زمین باغ گشت از کران تا کران ز شادی و آواز رامشگران

دکترو خوشنم ادامه داد که در شاهنامه از سازها و ادوات موسیقی کهن پارسا نیز نام برده شده است: سازهایی نظیر هود یا بربط که در شاهنامه با نام "رود" از آن یاد شده، ساز "کرنای" یا "درای" و ساز چلب که یک ساز کوبی است مثل سنج. او در سخنرانی‌اش در مورد هر یک از



بهنام مناهجی

احساسی که در سنتور نمی‌گنجد

چهره‌اش به جز برای دست‌اندرکاران موسیقی تقریباً برای همه ناآشنا است. وقتی مجری نامش را اعلام کرد، خودش بر صحنه نبود. تنها سازش بر میز سنتور قرار گرفته بود که با گلیمی خوش طرح پوشانده شده بود. چشم‌ها روی سنتور متمرکز شده بود که وارد شد. با قامتی متوسطه چهره‌ای جدی اما نه مبوس، چشمانی سیاه، پشت هینکی با قاب سیاه، شلوار و پیراهن سیاه، موهایی سیاه که بر تارک کاکلش شیار باریک و ملایمی از موهای سپید نقش بسته بود. نرم و چابک پشت سازش نشست. نگاهی به تماشاگران، یعنی که سکوت. و سازش در سکوتی پر رنگ، نغمه آغاز کرد.

در بروشوری که روی صندلی‌ها قرار گرفته بود نوشته بودند که اجرای سنتور در دستگاه شور است. اما چند لحظه که از نواختن سنتور گذشت بسیاری فهمیدند که شور آن از "شور" بیشتر است. چیزی حول و حوش دستگاه شور. بداهتی تازه! از سنتور صدایی شنیده می‌شد که اگر گواهی چشم نبود، گوش، سنتورش نمی‌دانست. اگر چشم‌هایت می‌پرسیدی می‌گفت سازی نزدیک به سنتور، اما نه سنتور.

تک‌تک مضامین شانه و سینه و بازوانش را به کار می‌گرفت تا دست‌ها و انگشتان تا آخرین سرعت ممکن به کار افتند آن شور و تحرکی را که او می‌خواست بیان کند بر زبان آورد. و بعد آرام می‌گرفت. قطعه، نوازشی آرام راسر می‌گرفت و باز دوباره تند می‌شد و فریاد می‌شد. و در یکی از این فریادها بود که مضراب شکست. نوازنده اما باز نایستاد تند و چابک مضرابی دیگر در دست گرفت و باز بازبان نت‌ها و فواصل نریاد کرد. و قطعه در یکی از این نقاط اوج پایان یافت.

پس از اتمام برنامه، جمع گویی گردش حلقه زده بودند. هر یک پرسشی داشتند و می‌گوشتند تا با پرسش‌های خود با این هنرمند آشنایی بیشتری پیدا کنند یکی از دوستان بهنام مناهجی با لحنی که به شوحی می‌مانست پرسید:

- بهنام چرا مضراب بیچاره را شکستی.

- خوب، دیگر، پیش می‌اید، تازه مجبور بودم همه‌اش ملاحظه این مضراب‌ها را بکنم که نشکند. فکر می‌کنم اگر به جای مضراب چوب گردو، مضراب‌های بهتر می‌توانم تهیه کنم احتمال شکستنش کمتر باشد. مثل چوب گلابی. خلاصه این مضراب‌ها هم برای ما مشکل بزرگی شدند.

دیگران نیز که در طول اجرای برنامه پرسش‌های بسیاری در ذهن داشتند فرصت را برای طرح چند سوالی‌هاشان آماده دیدند. این بود که سوال پشت سوال طرح شد و جواب شنیدند.

- فکر نمی‌کنید هلیت اینکه مضراب‌تان می‌شکند این باشد که ظرفیت این تغییر نوانس‌های شدید را ندارد و شما اگر احساسی بدین صورت را می‌خواهید بیان کنید باید از سازهایی با ظرفیت‌های صوتی بالا استفاده کنید؟

- فعلاً که این تصمیم را ندارم. من فکر می‌کنم همین سنتور احساس مرا پاسخ می‌دهد. اما اگر قطعه‌ای نوشتم که برای سنتور مناسب نبود و یا به طور کلی هیچ یک از سازهای سنتی پاسخگوی آن نبود آنگاه بدون هیچ تعصبی آن قطعه را برای سازهای دیگر خواهیم نوشت.

- با این حساب فکر نمی‌کنید که ظرفیت سنتور همین است که تاکنون بوده و قابل تغییر نیست. - تقریباً همین‌طور است. اما از همین ساز سنتور میتوان با نحوه کوب‌های مختلف صداهای متفاوتی شنید. علاوه بر آن شما روی سیم‌های سنتور یک روزنامه پهن کنید وقتی مضراب روی آن می‌خورد یک جور صدا می‌دهد و اگر پارچه پهن کنید، طور دیگر، روی مضراب نمد بگذارید یک جور صدا دارد، پارچه نمدی و یا کاغذ بچسبانید جور دیگری صدا خواهد داد. در مورد قدرت و ضعف و یا در واقع تغییر نوانس آن هم می‌شود نکره‌هایی کرد.

- می‌توانم بپرسم چطور شد اصلی‌تان انتخاب کردید؟

- به نظر من سنتور بی‌هیجه‌ترین ساز سنتی ماست. مثلاً با سنتور شما می‌توانید قطعاتی بنوازید که سازهای ایرانی دیگر از نظر بی‌هیجه بودن از عهده آن بر نمی‌آیند. یکی از دلایل اصلی انتخاب سنتور از جانب من بی‌هیجه بودن این ساز و نزدیک بودن آن به سازهای بین‌المللی است.

- قطعه پریدخت هلیرقم تنوع‌هایی که در ریتم و نوانس داشت، در مجموع قطعه

فهم‌انگیزی بود، می‌توانم بپرسم این قطعه را در چه احساسی ساختید و علت فهم‌انگیز بودن آن چیست؟

- پریدخت اسم مادر من است و من این قطعه را در سوگ مادرم نوشتم. اما تصور من این است که این قطعه‌ای فهم‌انگیز نیست. اگر حامل اندوهی هم باشد این اندوه شورانگیز هم هست. من احساس زیبا و شورانگیزی را که از مادرم داشتم در قالب این قطعه پیاده کرده‌ام. فرصت کم بود. بخش دوم برنامه در شرف آغاز شدن بود. می‌بایست می‌رنجیدیم. جمعی که گرد مناهجی حلقه زده بودند به تدریج متفرق می‌شد. با اینکه هنوز دلم می‌خواست پرسش‌های دیگر را بشنوم و پاسخ‌های بیشتری از مناهجی گوش کنم،



با هنرمندان

و

هنر دوستان

نشریه اکثریت که از مدتی پیش کوشیده است تا رویدادهای مهم هنری و ادبی ایران و جهان را بازتاب دهد، اکنون مجدانه بر آن است تا خبرها و اتفاقات ادبی، هنری، و به ویژه فعالیت هنری و ادبی ایرانیان در داخل و خارج کشور را به خوانندگان آگاهی برساند.

این کوشش تنها در صورتی به نتیجه خواهد رسید که خوانندگان، خود در انعکاس اینگونه رویدادهای هنری و ادبی با نشریه همکاری فعال داشته باشند.

ما از خوانندگان خود به ویژه آن‌ها که در هر صحنه هنر فعالیت دارند و نیز از آن‌ها که از دوستان هنر هستند انتظار داریم که با ارسال خبر، گزارش از رویدادهای هنری به ویژه فعالیت‌های هنری ایرانیان در کشوری که زندگی می‌کنند و نیز ارسال اخبار و فعالیت‌های هنری در ایران با ما همکاری کنند. همچنین از هنرمندان و صاحب نظران در هر صحنه هنر تقاضا داریم تا با مقالات و نوشته‌های خود، ما را از همیاری‌هایشان بی‌نصیب نگذارند.



وجود نمی داشت. اما اس. پ. د. بسی از سوسیالیسم دور است و در آینده نیز لابد دور تر خواهد شد. برنام و سیاست اس. پ. د. غالباً از یکدیگر فاصله می گیرند. اس. پ. د. باید درک تئوریک، اجتماعی و سیاسی خود را که به توشه اندیشه مارکسیستی متعهد است اما از آن فراتر می رود روشن سازد. از ما می طلبد ارزشهای مدنی جامعه معاصر بورژوازی را بطور تفکیک شده و نیز بسیار انتقادی، اما بدون دیوار ایدئولوژیک به رسمیت شناسیم. به علاوه یک رابطه سالم با ارزشهای مزبور شامل انتقاد از سرمایه داری در تئوری و بیش از همه در عمل می شود. می توان اینطور هم گفت که سوسیالیسم به معنای انتقاد دائمی از سرمایه داری است.

گیزی ارزشهای بنیادی سوسیالیسم دموکراتیک را، که پ. د. اس. د. نبال می کند، آزادی فردی، عدالت اجتماعی، همبستگی، صلح، حفظ طبیعت و قلبه بر نازش دیا فنگی قلمداد کرد.

نشانهای ویژه مارکسیستی ما برای یک سوسیالیسم دموکراتیک نکات ذیل اند:

یک جامعه حقیقتاً آزاد، عادل و همبسته فقط در صورتی قابل تصور است که در آن روابط اجتماعی از قواعد سود سرمایه تبعیت نکنند. مسیر سوسیالیسم دموکراتیک در وهله اول راه دموکراسی است (راهی برای تقویت دموکراسی کردن جامعه) نکته تعیین کننده برای تفکر برنامه ای ما، همه جانبه نگریت جهانی بینی ما مبتنی بر نگرشی عموم بشری و همزیست از فرد و نیازهای تکاملی اوست.

گیزی سپس استراتژی تغییرات دوگانه و تحول روابط اجتماعی در آلمان و جوامع اروپایی را برای سال های ۹۰ مشتق کرد. اولاً، ما برای یک سازش نوین تاریخی در تقسیم قدرت اجتماعی میان سرمایه و کار و نیز میان نخبگان بوروکراتیک و مردم و دموکراسی در تولید و تعیین دراز مدت تکامل علمی، فنی، صنعتی و مصرفی در سطوح مختلف موسسه تولیدی، بخش، استان، کشور و بازار مشترک اروپا مبارزه می کنیم.

ثانیاً، ما باید برای رهائی خود از جبر نیازهای اغلب تحمیل شده یک جامعه کار و مصرف تحت سیادت اقتصاد مبارزه کنیم. این شامل کاهش ساعت کار و چنان تقسیم کاری است که دریایی از سازندگی زندگی آزاد، فردی و جمعی را خارج از ساعات کاریز ممکن می گرداند.

گیزی در بخش پایانی سخنرانی خود بطور مشروح به ایجاد ائتلاف انتخاباتی پ. د. اس. (لیست چپ) پرداخت و خطاب به مردم جمهوری دموکراتیک آلمان گفت "پ. د. اس. مطمئناً یک گوهر یگانه نیست اما با این حال در مقایسه با احزابی که آلمان فدرال در چهارچوب اتصال جمهوری دموکراتیک آلمان به آلمان فدرال، به زور قضا می کند، قطعاً بهترین چیز است که می تواند نصیب مردم شود."

مختلف و با ابهادی مختلف مورد توضیح قرار گرفته اند. اعضا و هواداران مورخ پ. د. اس. به وسیله مطبوعات، اجتماعات و انتشارات موسسه انتشارات دیتس نقش مهمی در روشنگری این فصل تاریک تاریخ ایفا کرده و می کنند.

"ما مخالف پس راندن تاریخ هستیم. حزبی نظیر پ. د. اس. که با ساختارها، سیاست ها و آن بخش از اعضای اس. ا. د. که واقعا بار تقصیر را بر دوش خود داشتند، بریده است و اما در همین حال خود را به حمل بار گناهان اس. ا. د. متعهد می داند، به مراتب بیشتر از احزابی که سابقاً در قدرت شریک بودند اما امروز به زیر بال احزاب آلمان غربی فرار کرده اند، با محرکهای پس راندن تاریخ مقابله می کند. و این نشان کم لطفی خواهد بود اگر به پ. د. اس. به این منظور، که به مراتب دشوارتر از نوشتن اعلام پیوست به احزاب غربیست، وقت لازم داده نشود.

به عقیده من برای روشن کردن تاریخ نه فقط به گردانندگان اصلی بلکه به همکاران نیز نیاز است. و از آنجایی که این همکاران در احزاب غربی تحلیل می روند، کار ما قدری دشوارتر می شود. اما فکر میکنم که ما به تنهایی نیز از عهده اش برآیم.

بعضا شاید نقد نیاز دارد، هنوز به این سوال پاسخ نمی دهم که در جنبشی که با رسالت تحقق شرافتمندانه ترین اهدا، از بین بردن استثمار انسان از انسان و نابودی انسان به وسیله انسان، قدم به صحنه گذاشت، چرا ناهنجاری ها وجود آمدند؟ در اینجا نیز نباید پاسخ های فوری انتظار داشت. ما فقط مشترکاً و به تدریج قادریم پاسخ ها را بیابیم، گرچه تاریخ با سرعت زیاد به راه خود ادامه می دهد و برای ما فرصت تنفس نمی گذارد.

آنگاه گیزی پس از یک گذر همه جانبه به تاریخ چپ های آلمان، سوالات بسیاری مطرح کرد که در آینده باید به آنان پاسخ داده شود، به ارزیابی پ. د. اس پرداخت و گفت اوسکار لافن تن (کاندید حزب سوسیال دموکرات در انتخابات آلمان - مترجم)، چند روز قبل از او خواست توضیح دهد که پ. د. اس. می خواهد چگونه حزبی باشد؟ یک حزب کمونیست یا یک حزب سوسیال دموکراتیک؟ به عقیده لافن در مورد حزب باید با آن مبارزه کرد، در مورد دوم دیگر به آن نیازی نیست و باید خود را منحل کند زیرا یک حزب سوسیال دموکرات (اس. پ. د.) وجود دارد. بنظر نمی رسد که در اینجا یک قالب از پیش تعیین شده دست بالا را داشته باشد. "ما نه یک حزب سوسیال دموکراتیک و نه یک حزب کمونیستی، در مفهوم سنتی آن، هستیم، بلکه ما در راه تبدیل شدن به یک حزب سوسیالیستی، معاصر، انترناسیونالیست و دموکراتیک میباشیم و حزبی که در برنامه و سیاست به مضامین سوسیالیستی پایبند است و تلاش میکند این مضامین را بطریقی نوین برجسته سازد." اگر اس. پ. د. در برنامه و سیاست خود یک حزب سوسیالیستی می بود، واقعا نیازی به پ. د. اس.

از سخنرانی

رهبر حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان

بحث بر سر دو مسئله کاملاً متفاوت است. لازم است میان امیال و فعالیت عملی تعداد انبوهی از رفقای ما، که با اعتقاد صادقانه به سوسیالیسم قدم بر می داشتند، از سویی و سیاست رهبری اس. ا. د. که مبتنی بر کارزار تبلیغاتی بوده و در واقعیت از مردم فاصله بسیار داشت، اما فقط به رهبری محدود نبود، از سوی دیگر، تفاوت اساسی قائل شد. امیالی که ما گمان می کردیم تعقیب کنیم یک چیز است و آن چه سیاست اس. ا. د. به طور عینی پیش میبرد یک چیز دیگر. هاقبت این سیاست را اکنون در نحوه زوال جمهوری دموکراتیک آلمان مشاهده می کنیم، ما باید باین موضوع برخورد کنیم. در ارزیابی سیاست گذشته حزب، فقط مقیاس های عینی معتبراند، نه آرزوهای ذهنی.

نوسازی جنبش سوسیالیستی موضوعیست که بسی از پ. د. اس. فراتر می رود. نوسازی تنها با پیوند نگرشی به گذشته، تحلیل وضعیت کنونی و نگاه به آینده ممکن می شود. پرداختن ما به تاریخ بیش از همه به این مفهوم است که به بعد تاریخی عمل خود آگاهی بیابیم. ما در حال حاضر در خاک آلمان در حال گذار از یک جامعه شکست خورده به یک جامعه در خور آینده بسر نمی بریم. از نقطه نظر تاریخی، اقتصاد بازار سرمایه داری، هلیرفم نیروی زندگی و کارایی قابل توجه در جوامع صنعتی پیشرفته، در ابعاد جهانی بسوی یک بن بست حرکت می کند. پیران به اصطلاح سوسیالیسم واقعا موجود، ندای آواز بحران جامعه صنعتی بطور کلی است. نه نوع بشر و نه سیاره زمین قادر نیستند به مدت زیادی اقتصادی را که بلامانع بر سود مبتنی است، تحمل کنند. از اینجا درکی نوین از پیشرفت و از جامعه ای که در آن زندگی می کنیم، مشتق می شود.

گیزی به این منظور نیروهای چپ را فرا می خواند که با عقیده بسیاری از مردم، مبنی بر اینکه سیاست و تاریخ برایشان دیگر جالب نیست، به منظور بررسی مایل و ضرورت تاریخ جمهوری دموکراتیک آلمان، مقابله کنند. سخنران تاکید کرد که در حزب و در تمام کشور در خصوص بررسی تاریخ هنوز کاملاً در آغاز راه قرار داریم.

"ما باید نسبت به همه افرادی که دوباره بدون آنکه ابتدا سوالات بسیاری در مقابل خود نهاده باشند و به مدت طولانی و بطور پایه ای برای یک پاسخ زحمت کشیده باشند، جوابهای حاضر و آماده ای دارند، صرف نظر از اینکه به کدام اردوی سیاسی تعلق دارند، به دیده شک بنگریم."

گیزی یادآوری می کند که در همان کنفره فوق العاده در ماه دسامبر ۱۹۸۹ نخستین موضع گیری، نسبت به هلاطم و نشانه های بحران و هلا آن و نسبت به ضرورت یک نوسازی بنیادی، به عمل آمد. "در همان کنفره گفته شد ناهنجاری استالینیستی در جنبش چپ تا سالهای ۲۰ قرن کنونی به هت ب می گردد. نشانه های این پدیده در ساختارهای متضاد با اندیشه های سوسیالیستی، در دستگاه های مستقل شده، در یک ایدئولوژی توجیه گر و در سوءاستفاده از قدرت به چشم می خورد. پدیده مزبور بیش از همه در یک تفکر حزبی و پراتیکی متجلی شد که پ. د. اس. آشکارا از آنها فاصله گرفت.

اما در کنفره فوق العاده مسائل از هم تفکیک شد: اس. ا. د. از یک سوسازمانی بود که توسط بوروکراسی هیئت سیاسی مورد سوءاستفاده قرار گرفته بود، از سوی دیگر، این حزب، جنبشی بود که بسیاری از سوسیالیست های معتقد، در آن، میهن سیاسی خود را می دیدند و در صفوف آن به دنبال سازندگی برای مردم خود بودند. بسیاری از مردم جمهوری دموکراتیک آلمان، چه غیر حزبی و چه اعضای حزب، با فعالیت خود برای یک جامعه عادلانه تر و متعهد به صلح و ضدفاشیست جای پای شایسته ای در تاریخ بجای گذارند. این واقعیت، باتوجه به فشار اجتماعی قدرت انحصاری و ناهدالت خواهی های جامعه سرمایه داری، که مبتنی بر رقابت خشن ویر ملاحظه افراد در راه ارتقای خود است، مطمئناً در آینده ای نه چندان دور در آگاهی فردی و اجتماعی جای همیق تری برای خود باز خواهد کرد."

گرگور گیزی در ارتباط با بررسی تاریخ جمهوری دموکراتیک آلمان توضیح داد که کمیسرین داوری در همکاری با گروه کار قربانیان استالینیسم، جنب موسسه تاریخ جنبش کارگری، نام و سر نوشت ۲۵۰۰ زن، مرد و نوجوان را جمع آوری کرده که در مقاطع

در هفته گذشته گرگور گیزی، رهبر حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان، در کنفرانس نوسازی این حزب پیرامون اهداف و برنامه آن سخنرانی کرد. در زیر ترجمه قسمت هایی از سخنرانی مزبور را می خوانید:

آیا مفهوم "نوسازی حزب" مفهومی صحیح است؟ گرگور گیزی با این سوال سخنرانی خود را آغاز کرد. در بسیاری از مباحث و نیز در نامه های زیادی که به رهبری و روزنامه "آلمان نو" ارسال می شود، تاکید می گردد که مفهوم مزبور دیگر گویای آن چیزی نیست که حزب اکنون نیاز دارد. حزب سوسیالیست متحده آلمان (اس. ا. د.) به هیچ وجه نباید تعمیر و نوسازی شود. "برعکس، هدف ما باید رهائی اندیشه سوسیالیستی از همه پرده هایی که با آنان پوشش شده بود و نیز آزادی این اندیشه از هر گونه سوءاستفاده مستبدین کوتاه بین و انواع گرامی ها باشد."

با این منظور حزبی لازم است که یک تصور کاملاً متفاوتی نسبت به اس. ا. د. از خود داشته باشد و خود را به مثابه نیرویی چپ درک کند که به همراه سایر نیروهای سوسیالیستی به توشه اندیشه ای چپ متعهد است. آنگاه گیزی درباره وضعیت جمهوری دموکراتیک آلمان و روند وحدت دو آلمان صحبت کرد. او گفت: قرار داد مزبور پیش از آنکه با مردم جمهوری دموکراتیک آلمان به بحث گذارده شود، موضوع مباحثه احزاب آلمان غربی بوده است. "ما این سند را رد می کنیم زیرا نمی توانیم خود را در خیانت به منافع مردم جمهوری دموکراتیک آلمان شریک نماییم."

و دهه لوتار دزمیری (نخست وزیر جمهوری دموکراتیک آلمان - مترجم) مبنی بر آنکه پس از اول ژوئیه بر کسی بدتر از قبل نخواهد گذشت. یک حرف مضحک از آب درآمد. بنا به آمار موجود ۲۰ درصد مردم بیکار شده اند. "اینک روشن می شود که بسیاری از هموطنان ما بیم دارند هنگام سقوط آزاد به درون اقتصاد بازار متضرر شوند. بررسیها نشان می دهند که آنچه بیش از همه مردم را آزار میدهد نگرانی از بیکار شدن است. به علاوه ابهام در مورد بهای اجاره خانه پس از ۱۹۹۱، قیمت خدمات اجتماعی و فیره اذهان را پریشان کرده است. من گاه به گاه از خبرنگاران غربی مورد سوال قرار گرفتم که آیا پ. د. اس. بخاطر همه اینها خوشحال نیست، زیرا ما بوده ایم که از همان اول همه چیز را تا همه اجزای آن پیش گویی کرده ایم. اما این بیانگر تفکر خود فرضانه غربی است که باید با ما بیگانه بماند.

اگر ما واقعا او خواهیم سوسیالیست باشیم، از هر گونه بهبود وضع زندگی مردم، صرف نظر از اینکه تحت کدام حکومت پدید آمده باشد، فقط می توانیم خوشحال شویم."

هفته عملیات، که رو به پایان است، نشان داد که خارج شدن و گذار از مباحث درون حزبی به عمل سیاسی باید با موفقیت هر چه بیشتری صورت گیرد. پ. د. اس. خود را قدری متکی به نفس تر نشان داد و آواز میکند خود را با شریک جدید هماهنگ کند. گیزی ادامه داد: "نوسازی در تمام حزب به حرکت درآمده. این روندی بسیار بفرنج و متفاوت است و بخصوص از رفقای که مدت زیادی عضو اس. ا. د. بودند کوشش زیادی می طلبد. برخی ها از تردید به خود آزار می بینند و سوال می کنند، آیا همه چیز بیهوده نبوده است؟ چطور توانستند این همه سال سیاست اس. ا. د. را همراهی کنند و نظم دائمی آن را تحمل نمایند، با وجودی که حس می کردند تبلیغات و واقعیت بسی از هم جدا شده اند؟ همه ما که در اس. ا. د. بوده ایم باید یاد بگیریم نقادانه با تاریخ فردی خود برخورد کنیم و با این حال باید این اعتقاد، یک مبارزه جمعی باشد. می دانم که نسبت به تاریخ جمهوری دموکراتیک آلمان و ماهیت اس. ا. د. سوالات بسیاری وجود دارند. مثلاً: آیا جمهوری دموکراتیک آلمان، سوسیالیستی بود؟ آیا اس. ا. د. ارتجاعی بود؟ در پس مفهوم استالینیسم چه چیزی پنهان است؟

رهبری حزب نمی تواند به علوم تاریخی بپردازد. این علم، موضوع دانشمندان علوم تاریخست. اما ما باید هر چه عمیق تر به درون تایخ خود راه بیابیم زیرا فقط به این وسیله قادریم اکنون و در آینده پایدار بمانیم. از آنجایی که من در نشست در ماه مه درباره خصلت ارتجاعی اس. ا. د. صحبت کردم و میدانم که این تعریف با انتقادات و ابهامات بسیاری مواجه شده است، سعی میکنم آنرا قدری تعریف کنم:

جاکسون دیهل تفسیری از نظریات مقامات اسرائیل

هراق را از مواضع دفاعی که در آن ها استقرار یافته اند براند، ولی قادر به نابودی نیروی هوایی و دفاع هوایی هراق و ذخایر موشکی و دیگر تاسیسات کلیدی این کشور می باشد.

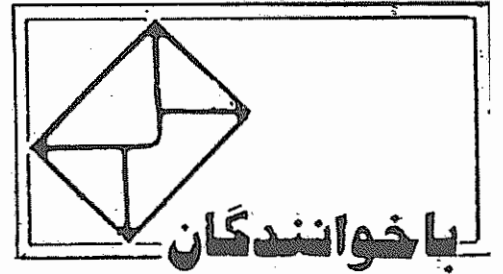
یک مقام رسمی اظهار داشت، شما مجبورید که یک بار آن را انجام دهید، عظیم و موثر، لزوم ضرب هوایی دوم وجود نخواهد داشت، هدف باید نابود کردن ظرفیت صدام برای هکس العمل باشد.

مهران

بقیه از صفحه ۲

مقام اسرائیلی اظهار کرد شاه حسن نیز تحت فشار است. او نسبت به آنچه انجام می دهد نامطمئن و دلسرد است، زیرا به بهائی که باید در رابطه با مردم کشور خویش بپردازد می اندیشد.

تحلیگران اسرائیلی بر این اعتقادند که هر چند عملیات نظامی زمینی علیه نیروی عظیم هراق در آینده نزدیک فیر قابل تصور است، ایالات متحده می تواند با بهره گیری از تمامی نیروی هوایی خویش در یک عملیات هماهنگ ضربه خردکننده ای به صدام وارد آورد، هر چند چنین ضربه ای قادر نیست توپخانه



پاسخ به نامه ها

همکار گرامی ج، بعد از ضمن ارسال نامه‌ای، نکاتی را در مورد چند شماره اخیر نشریه طرح کرده‌اند. ایشان نوشته‌اند: «چنین می‌نماید که بحران خلیج فارس همه رویدادهای دیگر را به فراموشی سپرده است و از مسائل اقتصادی و انشای هیاهوی رژیم در مورد برخی از پروژه‌های مربوط به برنامه پنج ساله در نشریه سخنی به میان نمی‌آید.» ایشان همچنین بر ضرورت بازتاب دادن تحولات هم‌رانی و آبادانی کشور، که به هر حال در جامعه ایجاد می‌شود، تأکید کرده، پیشنهاداتی در این زمینه ارائه داشته‌اند.

ظراتی پیرامون اولین کنگره و گزارش شورای مرکزی

کاندیداتوری همه کسانی که حرفی برای گفتن دارند، باز باشد. در رابطه با شیوه رای‌گیری در انتخاب شورای مرکزی به فرمول «شش دهم» اشاره شده است. هر چند این در مقایسه با سیستم انتخابی اکثریت آرا (ده دهم)، که می‌تواند منجر به انتخاب شورای مرکزی توسط اکثریت ۵۱ درصدی کنگره شود، دموکراتیک‌تر است، با این حال تا حد زیادی دچار همان نقیصه است. مثلاً اگر در کنگره تعداد انتخاب‌کنندگان را ۱۳۵ نفر (۱۰۰٪) و جناح‌های فکری را در سه گروه ۵۵ (۴۰٪)، ۴۵ (۳۳٪) و ۳۵ (۲۵٪) نفری تقسیم کنیم، نتیجه انتخابات منجر به نمایندگی دو جناح اول با متوسط ۵۵ و ۴۵ رای (۴۰٪ و ۳۰٪) و حذف نمایندگان جناح سوم با ۳۵ رای می‌شود.

در واقع اگر جمع امتیازات کاندیداهای موفق در کنگره به کل آرا موجود (۶ برابر تعداد انتخاب‌کنندگان) تقسیم کنیم، رقم ۶۸٪ بدست می‌آید که گرچه از ۵۱٪ دموکراتیک‌تر است، از شیوه‌های دیگر نسبی که نمایندگی ۹۱٪ را هر کدام با ۹/۱٪ آرا جمع (حذف کاندیدای یازدهم با ۹٪) امکان پذیر می‌سازند، فیر دموکراتیک‌تر است.

پیش‌به‌سوی کنگره دموکراتیک‌تر دوم!

ک احمدی

گرچه امر کنگره به طور مطلق به امر دموکراسی مربوط است و دموکراتیسم تا حدود زیادی با حقوق اقلیت نظری در سازمان ارتباط دارد، گزارش شورای مرکزی و قطعنامه‌های مصوب توسط اکثریت کنگره نشان مشخصی از نظرات اقلیت نداشت و تا حدود معینی تلاش داشت به نمایش اتفاق آرا یا اکثریت مطلق در تصمیم‌گیری‌ها بپردازد. هر چند جو صمیمانه موجود خوشحال‌کننده و لازم است، ولی این نکته نایستی به قیمت هدم توجه به نظرات اقلیت، حتی از دید طرد و نفی نظرات اشتباه صورت گیرد.

مثلاً گویا حدود ۱/۳ حاضرین به قطعنامه اشتباهات اجمالی رای مخالف دادند. نظرات آن‌ها چه بود؟ آیا گذشته را کاملاً درست و بی‌خطا ارزیابی می‌کردند و یا شاید ریختن تمامی کاسه کوزه‌ها روی سر رهبری سابق را قبول نداشتند؟ یا...

یکمورد دیگر انتخابات شورای مرکزی است که مطابق گزارش «نام هیچ یک از اعضای هیئت سیاسی سابق (در ترکیب اعلام شده) وجود نداشت.» صحبتی راجع به جو غالب در کنگره و تأثیر آن در هدم کاندیداتوری اکثریت قریب به اتفاق رهبری سابق شد. شاید با توجه به همین جو و روان‌شناسی مشابه در جنبش این کار مثبت بود. ولی در نهایت در یک کنگره دموکراتیک شرایط بایستی برای

یافته‌های نو در برخی از رشته‌های دانش معاصر

به از صفحه آخر

...می‌شود که این تغییرات به خود هوای آتی را دچار گرگونی می‌سازند.

این واقعیت را که روندهای برخطی به پیامدهای رج و مرج آمیزی می‌انجامند، دو ستون یولیو و پیر فانتور در هنگامه نگ جهانی اول و بی‌خبر از دیگر کشف کردند. آن‌ها یک بسازه (معادله) ساده برخطی را با معادله‌های مختلف ل کرده و نتایج بدست آمده را در مول دیگری وارد کردند و به ل آن فرمول پرداختند. آن‌ها ن کار را بارها و بارها تکرار دند، به گونه‌ای که مجموعه‌ای نقاط بدست آمد که امروز مجموعه یولیو نامیده می‌شود.

ده‌ها سال بعد پژوهشگری به م بنو ماندول بروت از کنسرن ریکایی کامپیوتر IBM کار دو نشمند یاد شده را پی گرفت. وی رنگ کردن نقاط مجموعه یولیو صفحه کامپیوتر خود تصویری ید آورد که مجموعه ندول بروت یا انسان سبب ناما نام فت. (شکل ۱- بخش ج) نکته گفت‌آمیز در این تصویر، کناره می‌باشد که از شکل‌هایی همانند سب‌های آبی کوچک و بزرگ به م پیچیده تشکیل یافته است. با رگ کردن هر بخش از این سوبیر شکل‌ها و ساختارهای مانندی پیوسته تکرار می‌شوند. ن فرآیند که در بخش‌های h تا b کل ۱ نمایش داده شده است، جود نوهی نظم و سامان یافتگی مجموعه پر هرج و مرج ندول بروت یا هر مجموعه برخطی دیگر گواهی می‌دهد.

تصویر نابسامان و پرپیچ و تاب ماندول بروت به جز ریاضیدانان توجه پژوهشگران سایر رشته‌ها را نیز برانگیخته است. یافته ماندول بروت روشن می‌سازد که بسیاری از فرآیندها که ساده و سراسر است می‌نمایند در واقع مالا مال از نابسامانی و هرج و مرجند.

باری هوا و مجموعه ماندول بروت سامانه‌های پویایی هستند که وضعیتشان پاپایی زمان دگرگون می‌شود و تمام و کمال خودپو (خود سامان) می‌باشند. چنین موقعیت آتی چنین سامانه‌هایی (سیستم‌هایی) — شیدیدا و به گونه‌ای حساس به وضعیت کنونی آن‌ها بستگی دارد. کوچکترین تغییر در موقعیت کنونی این گونه سامانه‌ها می‌تواند به دگرگونی‌های شگرنی در وضعیت آتی آن‌ها بیانجامد. چنانکه گفته شد چنین سامانه‌ها یا روندهایی را خودپو یا خودسامان می‌نامند. از جمله سامانه‌ها یا روندهای خودپو می‌توان برای نمونه از واکنش‌های شیمیایی، فراگشت (تکامل) هستی بر روی زمین، روند مرض و تقاضا در نظام سرمایه‌داری و تحولات کیهانی نام برد.

نوسازی در هندسه اقلیدسی

هندسه اقلیدسی و قضایای فیثاغورث نیز سال‌های پیاپی همچون توانین نیوتون حرف آخر علم به شمار آمده‌اند و دیرگاهی است که فراگیری ویژگی‌های خط راست، سطح، مثلث، دایره و مخروط بر همه دانش‌آموزان واجب بوده و هست. زیرا که به گمان ریاضیدانان و بسیاری از دانشمندان دیگر شکل پدیده‌های طبیعی ترکیبی است از این

اشکال. طرفه آنکه طبیعت هیچگاه اشکال ناب مخروط و کره را نیز برانگیخته است. یافته ماندول بروت روشن می‌سازد که بسیاری از فرآیندها که ساده و سراسر است می‌نمایند در واقع مالا مال از نابسامانی و هرج و مرجند.

باری هوا و مجموعه ماندول بروت سامانه‌های پویایی هستند که وضعیتشان پاپایی زمان دگرگون می‌شود و تمام و کمال خودپو (خود سامان) می‌باشند. چنین موقعیت آتی چنین سامانه‌هایی (سیستم‌هایی) — شیدیدا و به گونه‌ای حساس به وضعیت کنونی آن‌ها بستگی دارد. کوچکترین تغییر در موقعیت کنونی این گونه سامانه‌ها می‌تواند به دگرگونی‌های شگرنی در وضعیت آتی آن‌ها بیانجامد. چنانکه گفته شد چنین سامانه‌ها یا روندهایی را خودپو یا خودسامان می‌نامند. از جمله سامانه‌ها یا روندهای خودپو می‌توان برای نمونه از واکنش‌های شیمیایی، فراگشت (تکامل) هستی بر روی زمین، روند مرض و تقاضا در نظام سرمایه‌داری و تحولات کیهانی نام برد.

هندسه اقلیدسی و قضایای فیثاغورث نیز سال‌های پیاپی همچون توانین نیوتون حرف آخر علم به شمار آمده‌اند و دیرگاهی است که فراگیری ویژگی‌های خط راست، سطح، مثلث، دایره و مخروط بر همه دانش‌آموزان واجب بوده و هست. زیرا که به گمان ریاضیدانان و بسیاری از دانشمندان دیگر شکل پدیده‌های طبیعی ترکیبی است از این

دوستان ساسان از سوئد مقاله کوتاهی در مورد ترور هفت قاضی برای «اکثریت» فرستاده است. در ضمیمه‌ای بر این مقاله ایشان از برخورد ما با نامه قبلی که برای نشریه فرستاده بودند، انتقاد کرده و نوشته‌اند: «خواستم فقط بار دیگر گوشزد کنم که من و یا دیگران نیز، به هیچ وجه وقت اضافی برای تهیه مطلب جهت سطل آشغال نداریم. اگر مطالب ضعیف است و غیر قابل چاپ، لطفاً بگوئید. اگر زمان برای چاپ مساعد نیست، بگوئید و اگر مطلب بنوهی مغفود شده، اطلاع دهید.»

دوست عزیز! در مورد مقاله شما راجع به ترور هفت قاضی، ضمن تشکر از زحمتی که کشیده‌اید، باید

«گیلانیان متقیم هامبورگ» در نامه‌ای به امضای آقای صیامی از ما خواسته‌اند که اطلاعاته آنان راجعت آگاهی خوانندگان «اکثریت» درج کنیم. در نامه آمده است «مطمئن هستیم که چاپ این آگاهی با

گیل‌زن‌ها و گیل مردها!

هم‌شهری‌های شما در هامبورگ در نظر دارند که برای معرفی فرهنگ، هنر، تاریخ و ادب گیلان زمین شبی را بنام «شب گیلان» برگزار کنند. جهت دسترسی به امکانات موجود در خارج از کشور و پربارتر شدن این «شب» از تمامی گیل‌زن‌ها و گیل مردها خواهش می‌کنیم که ماریاری دهند.

اطلاعه‌ای از اتحادیه ملی و دموکراتیک ایرانیان در فیلیپین (امداد فیلیپین) در مورد اعتصاب چهار پناهنده ایرانی در آن کشور به دست ما رسیده است. متأسفانه این اطلاعات تاریخ ندارد و ما تا به امروز از نتیجه اعتصاب فوق اطلاعاتی نداریم. در زیر بخشی از این اطلاعات به منظور آشنائی خوانندگان نشریه با مشکلات و مبارزات پناهندگان ایرانی در فیلیپین درج می‌شود:

هموطن

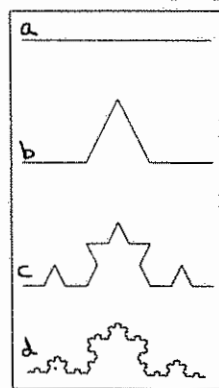
۴ تن از پناهندگان ایرانی در فیلیپین از تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۰ در اعتصاب غذا به سر می‌برند. خواست اعتصابیون جابجائی به کشور ثالث است. ناگفته پیداست که در طول چند سال اخیر وضع کلی پناهندگان در فیلیپین نه تنها بهبودی نیافته بلکه وخیم‌تر از گذشته نیز شده است. فشار روزافزون ناشی از مشکلات سیاسی حاکم در جامعه فیلیپین، آینده تاریک و نامعلومی در پیش روی ایرانیان متقیم این کشور به ویژه پناهندگان ایرانی قرار داده است. خواست‌های برحق اعتصابیون و پناهندگان دیگر

است. ماندول بروت مجموعه‌هایی

همچون سواحل انگلیس که ابعاد آن‌ها یک رقم اعشاری است را مجموعه شکسته (کسری) نام نهاد. دانشمندان از آغاز سده کنونی با مفهوم و ویژگی‌های ابعاد شکسته آشنا بوده‌اند، اما ماندول بروت نخستین کسی بود که ابعاد شکسته (کسری) را برای اندازه‌گیری طبیعت به کار گرفت. هندسه اقلیدسی تنها می‌تواند اشکال صاف و ساده مصنوها ساخته شده همچون کره، مربع و... را توضیح دهد. چنین اشکالی با فرمول‌های جبری تبیین پذیر و قابل محاسبه‌اند، اما اشکال و مجموعه‌های شکسته چنین نیستند. برای رسم منحنی یک مجموعه شکسته با دست امروز هم همچون ۸۰ سال پیش باید نقطه به نقطه و گام به گام پیش رفت. در انجام چنین کاری یک شکل ساده مانند یک خط‌رست بر پایه روش‌های معینی دستخوش تغییر و دگرگونی می‌شود. شکل چندجنبه‌ای که از این رهگذر بدست می‌آید دوباره دستکاری می‌شود و این کار به همین روال ادامه می‌یابد. مثلاً برای رسم «منحنی دانه‌های برف» که یک مجموعه کسری است، باید بخش میانی یک خط‌رست را برداشت و بجای آن یک ۸ گذاشت (بخش b تصویر ۲). در گام بعد باید بخش میانی همه خط‌های راست را برداشت و بجای آن‌ها ۸ نهاد (بخش c تصویر ۲) و این کار را تا حد

ممکن ادامه داد (بخش d). در

انتها شکلی که بدست می‌آید بی‌مانند به دانه‌های برف بهم چسبیده نیست.



شکل ۲

حال اگر بخش کوچکی از این منحنی را بزرگ کنیم، بی‌شابهت به شکل‌های اولیه (c) نخواهد بود. این ویژگی که «همانندی» نام گرفته است، یکی از شاخص‌های پایه‌ای مجموعه‌های شکسته است که ماندول بروت در جریان یافتن روش اندازه‌گیری سواحل انگلستان آن را بررسی و پژوهش کرده است. اسب‌های آبی انسان‌ها (شکل ۱) نیز از همین ویژگی پیروی می‌کنند. در واقع «همانندی» را در همه جای طبیعت می‌توان دید. یک شاخه نموداری است از کل درخت، یک شاخچه همانند شاخه خود است و رگ‌های درون برگ نیز به شاخچه‌ای که برگ بر آن قرار گرفته است، می‌ماند. به گفته

بگوئیم که این گونه مقالات خبری برای نشریه مفید نیست. زیرا موضوعات خبری معمولاً پس از یک هفته کهنه می‌شود و باید در همان هفته در مورد آن‌ها موضع‌گیری کرد. نامه‌هایی که از خوانندگان می‌رسد، در این زمینه معمولاً کهنه و غیر قابل استفاده است. گزارش ارسالی شما در مورد کنگره حزب سوسیالیست سوئد نیز به دست ما رسید که گزارش مناسبی بود. لیکن بهلت تراکم مطالب موفق به چاپ آن نشدیم. دوست عزیز! جابه سم خود در رفع نقایص نشریه می‌کوشیم. ارائه همکاری هر یک از خوانندگان در این راه به ما بسیار یاری خواهد رساند.

اهداف نشریه‌تان که حمایت از فرهنگ و هنر ایران زمین است، هماهنگ است. «ما در زیر آگهی این دوستان را جهت اطلاع خوانندگان به چاپ می‌رسانیم.

نشانی:

Siami
Immenbusch11
2000-Hamburg53
West-Germany
تلفن

0049-040-804651

۵۰ روز استقامت برای خواسته‌های انسانی

ایرانی که به سبب جلوگیری گاردهای مسئول UNHCR از ورودشان به ساختمان فوق نتوانسته‌اند به اعتصابیون بپیوندند، در شناسائی رسمی هویت پناهندگان از طرف دولت فیلیپین، صدور اوراق

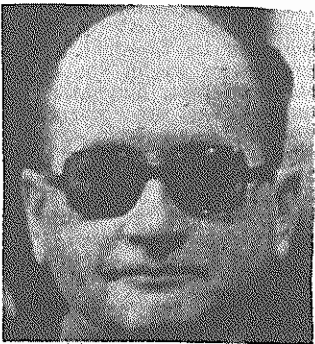
مسافرتی، افزایش مبلغ ثابت مستمری ماهانه، پرداخت وام به پناهندگان برای انجام پروژه‌های اقتصادی، اعطای پناهندگی جدید به کسانی که چاره دیگری ندارند، نه تنها پاسخ مناسبی نداشته بلکه UNHCR با قطع وام پرداختی، هدم پذیرش متقاضیان پناهندگی و قطع مستمری ماهانه همسران فیلیپینی پناهندگان از ماه ژوئیه گذشته پناهندگان را در وضع دشوارتری قرار داده است. در بازتاب همین سیاست، و خطر جانی که از طرف هوامل رژیم، پناهندگان را تهدید می‌کند، اعتصابیون امروزه تنها در جابجایشان به کشور ثالث پای فشرده و به این اعتقاد رسیده‌اند که دنبال‌گیری خواسته‌های فوق‌الذکر با توجه به واقعیات موجود، جز اتلاف وقت ثمری نداشته و به همین دلیل مصمم‌اند تا تحقق خواسته خود یعنی جابجائی به کشور ثالث، به اعتصاب غذا تا پایی جان ادامه دهند...

دیگر هر اندامی از درخت که بوسیله ابزار بزرگنمایی بزرگ شود، به اندام مادر خود شبیه خواهد بود. در همین راستا کوه‌ها با صخره‌ها، صخره‌ها با سنگ‌ها و سنگ‌ها با شن‌ها همانندی‌های بسیار دارند. چرخش سیاره‌ها بدور خورشید نیز کم و بیش همانند چرخش الکترون‌ها بر گرد اتم است.

باری، ترسیم منحنی مجموعه‌های شکسته بوسیله دست کاری است رنج‌آمیز و وقت‌گیر. لیکن برای کامپیوتر آسان و ساده است. در واقع کار کامپیوتر همانا فراهم آوردن مجموعه‌های پیچیده از داده‌ها و رهنمودهای ساده است.

با بهره‌گیری از مجموعه‌های شکسته کارشناسان کامپیوتر و ریاضیدانان نمونه‌های کامپیوتری زنده و جنبانی از کوه‌های پرپستی و بلندی، نهرها و دریاچه‌های پرتلاطم، درختان و درختچه‌های انبوه و پرشاخ و برگ و نیز سیاره‌ها پدید می‌آورند که با نمونه‌های طبیعی آن‌ها کمتر تفاوتی دارند. در این اواخر نمونه‌های کامپیوتری فراهم شده‌اند که با پدیده اصلی مو نمی‌زنند. کار بجائی رسیده است که فیلم‌سازان هالیوودی نیز به جای مناظر طبیعی و شهرهای باستانی و ساختن جانوران مرموز و تخیلی از نمونه‌های کامپیوتری آن‌ها استفاده می‌کنند و تماشاگر خوش‌پاور هم بهیچ روی کلک آن‌ها رادرنمی‌یابد.

کاهش مدت ریاست جمهوری یا روزلسکی

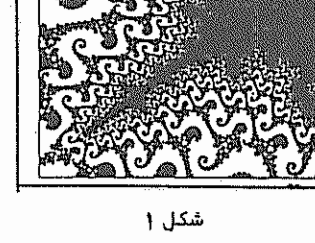
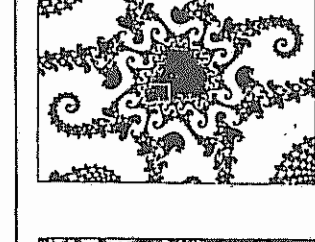
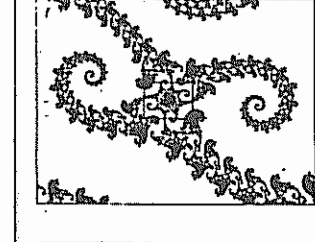
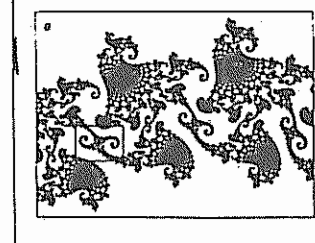
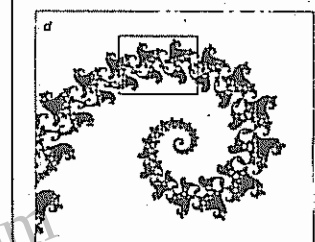
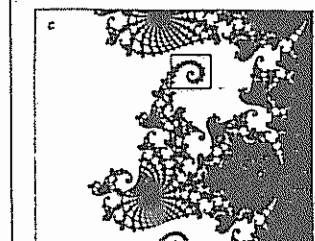
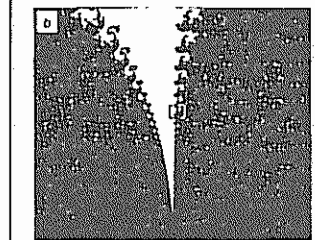
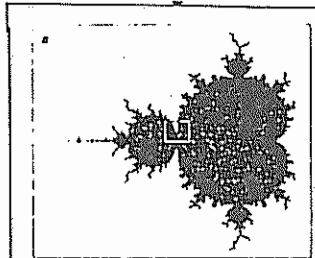


فرانکسیون "همبستگی" د پارلمان اعلام کرد که در صورت موافقت پارلمان با درخواست یاروزلسکی، رئیس‌جمهور آیند لهستان در مدتی کمتر از دو ماه مشخص خواهد شد. پس از انشعاب در جنبه همبستگی انتظار می‌رود که علاوه بر لخواهسا، تادونا مازوویتسکی، نخست‌وزیر فعلی لهستان نیز کاندیدای پس ریاست جمهوری بشود.

وویتسک یاروزلسکی که در سال ۱۹۸۹ از طرف نمایندگان مجلس لهستان به مدت ۶ سال بعنوان رئیس‌جمهور لهستان انتخاب شده بود، چهارشنبه هفته گذشته بوسیله نامه‌ای از مجلس تقاضای کوتاه شدن مدت ریاست جمهوری خود را کرد. تقاضای یاروزلسکی از طرف همه نیروهای سیاسی لهستان مورد استقبال قرار گرفت. پروتیسلاو گرمک رهبر

یافته‌های نود برخی از رشته‌های دانش معاصر

ح. بهداد



شکل ۱

از سده هفدهم میلادی که علوم طبیعی پایه‌های محکم و نیرومندی یافتند، دانشوران و پژوهشگران بر آن بودند که همه چیز پیش‌بینی‌پذیر و قابل محاسبه است. قوانین نیوتونی در گستره مکانیک پشته‌ها چنین توهمی بود و بسیاری از دانشمندان می‌پنداشتند که همه پدیده‌های طبیعی را می‌توان همچون فروافتادن سیب از درخت و یا جنبش توپ بر میز بیلارد و یا چرخش سیارات باز نمود و تبیین کرد. این پندار و توهم تا پایان سده نوزدهم که گاو یک‌تازی قوانین نیوتونی به سرآمد، رونق و روایی داشت.

اما هنگامی که پژوهشگران بر آن شدند که جهان را در گستره کوچک و بزرگ کنکاش و پژوهش کنند با کرانمندی و محدودیت تصویر نیوتونی از جهان روبرو گشتند. به گفته دیگر قوانین نیوتونی در باز نمود و تشریح روندهای درون اتم و فرایندهای درون کهکشان‌ها ناتوان و نارسا از کار درآمدند. در همین راستا بود که فرضیه نسبیت و فرضیه کوانتوم پدید آمدند و دگرگونی ژرفی را در دانش معاصر دامن زدند. با پیش کشیده شدن فرضیه کوانتوم و به دنبال آن فرضیه "عدم قطعیت" پندار مربوط به پیش‌بینی‌پذیری و قابل محاسبه بودن روندها و پدیده‌های طبیعی فروریختن آغاز کرد. بر پایه فرضیه یاد شده، تعیین همزمان جا و مسیر حرکت یک ذره (الکترون) کاری ناشدنی است. در آغاز بسیاری از پذیرش این واقعیت سرباز زدند. استالین نیز که گمان می‌کرد فرضیه‌های انیشتین بنیادها و آموزه‌های مارکسیسم را بی‌پایه می‌سازند، چندگاهی آن‌ها را در اتحاد شوروی ممنوعه اعلام کرد. حتی خود انیشتین نیز در آغاز به یافته خویش بی‌باور بود. او می‌گفت: "آخر نمی‌شود که خدا برای تعیین روندهای طبیعی شیر یا خط کند و هر روز آن‌ها را به گونه‌ای دیگر سمت و سوهدهد."

باری در دهه‌های اخیر پندار مربوط به پیش‌بینی‌پذیری و قابل محاسبه بودن روندها و پدیده‌ها، یکسره در هم شکسته است. هنگامی که به یاری کامپیوترهای پیشرفته زمینه بررسی سامانه‌های (سیستم‌های) پیچیده فراهم آمد، دانشمندان دریافته‌اند که آن قانونمندی خشک و بی‌خدشه‌ای که نیوتون برای روندها و پدیده‌های طبیعی پیش نهاده بود، چندان واقعی و منطقی نیست. آخرین یافته‌های دانش معاصر از آن حکایت دارند که نوعی هرج و مرج سامان یافته بر روندها و فرایندهای گوناگون حاکم است. آنچه که در پی می‌آید گزارش فشرده‌ای است در باره این یافته‌ها و برخی فراگشت‌ها و دگرگونی‌ها در هندسه اقلیدسی. این گزارش با بهره‌گیری از منابع خارجی فراهم آمده است.

~~*

به گفته اولاف کوسیرز، از پژوهشگران بنگاه پژوهشی ماکس-پلانک در آلمان غربی ما هم‌اکنون در پویه یک انقلاب علمی به سر می‌بریم که چارچوب‌های علوم کلاسیک همچون فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی را در خواهد نوردید و دانش مضامیر را به فرازهای نوینی خواهد رساند. این انقلاب یافته‌های شگرف و متفاوتی را در دسترس

برای دریافت کده و مفهوم این تحول علمی بد نیست از یکی دو مثال شروع کنیم:

هواشناسان بر آنند که پیش‌بینی دقیق وضع هوا کاری است ناشدنی، اتم نه از آن رو که کامپیوترها توان ارزیابی و شمارش‌های پیچیده را ندارند، بل به دلایل پایه‌ای‌تر: تغییر و دگرگونی هوا روندی است ناسامان و پر هرج و مرج، زیرا که یک عامل بسیار کوچک می‌تواند هوا را یکسره دگرگون کرده و تمام پیش‌بینی‌ها را در هم ریزد. گاهی پر زدن یک پروانه در چین می‌تواند دو هفته بعد در اروپا به گردبادی هراسناک بیانجامد. به گفته دیگر کوچکترین دگرگونی در شرایط اولیه (که پایه پیش‌بینی قرار می‌گیرد) می‌تواند پیامدهای گسترده و غیرمنتظره‌ای داشته باشد. نیک پیداست که همه این دگرگونی‌ها را نمی‌توان ثبت و بررسی نمود. برای نمونه هیچ ایستگاه هواشناسی در جهان نمی‌تواند پرواز یک پروانه در آن سوی دنیا را بیابد و آن را هم در ارزیابی پیش‌بینانه خود به شمار آورد.

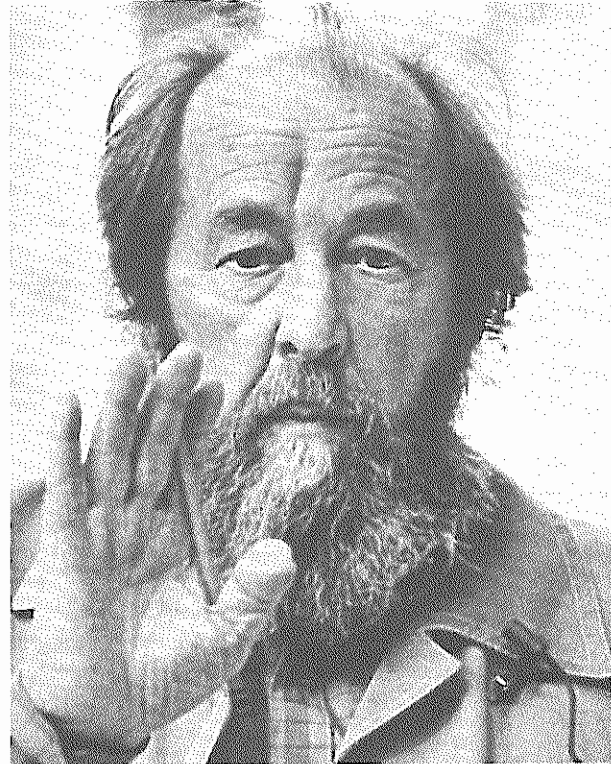
چگونگی هوای فردا به عواملی همچون گرمی هوا، سرعت باد، فشار هوا و اندازه رطوبت امروز بستگی دارد. همه این عوامل را هواشناسان در ارزیابی‌های خود وارد کرده و پیش‌بینی میان مدت وضع هوا را نه یکبار بلکه ۲۵ بار برآورد می‌کنند، بدینگونه که هر بار مقدار یکی از عوامل یادشده را اندکی کم و زیاد می‌کنند. طرفه اینکه همین تغییرات اندک به پیش‌بینی‌های متفاوت دیگرگونی می‌انجامد. هنگامی که هواشناسان در ۲ بار از ۲۵ بار برآوردهای خود به احتمال بارش باران برخورد کنند، پیش‌بینی آن‌ها منطقاً نباریدن باران است، اما در عمل احتمال همه چیز می‌رود. گاهی پیش می‌آید که ۲۵ بار محاسبه همه از بارش باران خبر می‌دهند، حال اگر هواشناسان برای محکم‌کاری محاسبه ۱۴م را هم با اندکی تغییر در میزان عوامل اولیه انجام دهند، ممکن است که به نتیجه‌ای برعکس روبرو شوند. از همین رو هواشناسان هیچگاه حتمی و قطعی سخن نمی‌گویند و زیرکانه همه احتمالات را در گزارش خود یادآور می‌شوند.

چرایی و هلت تاثیرپذیری غیرعادی هوای فردا از هوای امروز به No-Linearity (فیر خطی) و تحولات جوی (N) تغییر و روند فیر خطی یعنی آنکه مثلاً تاثیر فشار هوا در وضعیت هوای فردا همیشه یکسان نیست و به اندازه باد، گرما و رطوبت هوای امروز بستگی دارد. از اینرو یک دگرگونی کوچک در گرمای هوا نه تنها به تغییر چشمگیری در تاثیر گرما بلکه به متفاوت شدن میزان تاثیر فشار، رطوبت و سرعت باد بر هوای آتی نیز می‌انجامد.

تاثیر عوامل یادشده بر هوا نراتر از جمع ساده تاثیر همه این عوامل می‌باشد، زیرا که هوا سامانه (سیستمی) است خودپیو. خودپیویی هوا بدان معناست که هر دگرگونی در آن بر عواملی که چگونگی آن را تعیین می‌کنند، تاثیر می‌گذارد. مثلاً گرم شدن هوا موجب دگرگونی در فشار هوا، میزان رطوبت آن

بقیه در صفحه ۷

بیانیه سولژنیتسین



الکساندر سولژنیتسین، نویسنده مشهور روس و برنده جایزه ادبی نوبل، بیانیه‌ای تحت عنوان "چگونه روسیه را بسازیم" منتشر کرد.

سولژنیتسین در بیانیه خود خواستار صرف‌نظر کردن حزب کمونیست اتحاد شوروی از قدرت شده است: "همر کمونیسم به پایان آمده است. ما به حقوق خود نخواهیم رسید مگر آنکه حزب کمونیست اتحاد شوروی از تمام جوانب حیات اقتصادی-اجتماعی خود فاصله بگیرد."

در بخش دیگری از بیانیه، سولژنیتسین خواهان ایجاد یک جمهوری بزرگ روس متشکل از ۳ جمهوری فعلی روسیه، اوکراین و بلاروس شده و جدائی ملت اسلاو از ۱۲ جمهوری دیگر اتحاد شوروی را طرح کرده است.

برای تامین مالی روسیه آینده، سولژنیتسین دو راه حل پیشنهاد می‌کند. ۱- متوقف کردن تولید نظامی ۲- قطع کمک‌های اقتصادی به کشورهای "مستبد" همچون کوبا، ویتنام و کره شمالی.

بیانیه سولژنیتسین در روزنامه "کاماسولسکایا پراودا" با تیرا ۲۲ میلیون منتشر شد.

آمادگی ماندلا
برای ملاقات با بوتلزی

نلسون ماندلا، نایب رئیس کنگره ملی آفریقا جمعه هفته گذشته آمادگی خود را برای مذاکره با بوتلزی، رهبر قبیله زولو اعلام کرد. اعلام آمادگی برای ملاقات با بوتلزی، نشانه تغییر سیاست کنگره ملی آفریقا در برابر نیروهای بوتلزی قلمداد می‌شود.

ماندلا در مصاحبه مطبوعاتی که پس از نشست ۳ روزه کنگره ملی آفریقا انجام گرفت، بوتلزی را متهم به همکاری با نیروهای امنیتی دولت آفریقای جنوبی کرد. ماندلا، دکلرک، نخست‌وزیر آفریقای جنوبی را مسئول مستقیم ادامه منازعات فعلی در آفریقای جنوبی خواند.

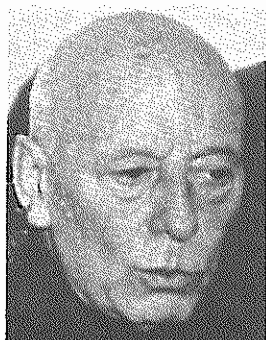
درگیری‌های خونین طرفداران کنگره ملی آفریقا و جریان محافظه‌کار "اینکاتا" تحت رهبری بوتلزی تاکنون بیش از هزار نفر کشته داشته است.

جیان کارلو پایتا در گذشت

زندان محکوم کردند. پایتا پس از سرنگونی موسولینی از زندان آزاد شد و در سال ۱۹۴۶ با رای مردم نماینده مجلس ایتالیا شد. در مجلس طنز قوی و فراجزبی پایتا او را به یکی از محبوب‌ترین نمایندگان تبدیل کرد. بیوگرافی پایتا با نام "جوانان سرخ"

جیان کارلو پایتا، یکی از رهبران مشهور حزب کمونیست ایتالیا روز پنجشنبه ۲۰ سپتامبر در گذشت.

پایتا در ۱۶ سالگی برای اولین بار به زندان افتاد. در سال ۱۹۳۳ قضاوت فاشیست او را به ۲۱ سال



AKSARIYAT NO. 320 MONDAY 24.Sep.1990	اکثریت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور
آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100AACHEN W.GERMANY	حساب بانکی: M.ABD NR. 35263011 37050198 Stadtparkasse Köln W.GERMANY